

علیه جنگ پیاخیزیم!

هم میهنان عزیز:

مجروح کردند. مطبوعات رژیم از دستگیری صدها توده ای و فدائی خبر دادند.

هم میهنان مبارز!

جنگ ویرانگر و خانمانسوز ایران و عراق به مرحله جدیدی وارد شده و قربانیها و ویرانیهای بیشتر و بیشتری را موجب گردیده است. در تهران و بروجرد و دزفول و دیگر شهرها، مردم علیه جنگ و برای صلح به تظاهرات برخاستند. اعتراض بحق بقیه در صفحه ۲

عمال رژیم خونریز و جنگ طلب جمهوری اسلامی مردم زحمتکش کوی سیزده آبان در جنوب تهران را که به ادامه جنگ اعتراض داشتند به خون کشیدند. اما این جنایت آتش خشم و اعتراض حق طلبیانه مردم را شعله ورتر ساخت. تظاهرات وسعت گرفت و مردم شهید داده سراسر منطقه را به عرصه تظاهرات و اعتراضات علیه جنگ و علیه این رژیم ستمگر تبدیل ساختند. در این تظاهرات عمال رژیم عده ای از مردمیکه صلح میخواستند را کشتند و عده بیشتری را



دوشنبه ۲ اردیبهشت ۱۳۶۴ برابر ۲۲ آوریل ۱۹۸۵
به ۴۰ ریال - سال دوم - شماره ۵۳

غریبو شعار "مرگ بر جنگ، زنده باد صلح!" هر روز رساتر می شود

خود را فردای تظاهرات ۲۱ فروردین و ادوات که به محله ۱۲ آبان و دیگر محلات تهران رفته و به نفع جنگ و ارتجاع و علیه صلح، مردم و نیروهای انقلابی از جمله سازمان ما شعار سر دادند. این ترفند نتیجه عکس بخشید. مردم به این اوباشانی که با چوب و چماق سوار بر موتور و وانت به محلاتشان سرزیر شده بودند، با نفرت می نگرستند و در موارد بسیاری با آن ها درگیر شدند.

با گسترش یافتن تظاهرات و انعکاس حرکات اعتراضی مردم در شهرستان ها از جمله در اراک، تبریز، دزفول و برخی کانون های تمرکز مهاجرین جنگی، رژیم هارتر شد. حکومت که ابتدا می خواست بر تظاهرات ۲۱ فروردین سرپوش بگذارد به دنبال بازتاب وسیع آن در میان مردم، ناچار گشت به وقوع آن اعتراف نماید. در اطلاعیه های تنظیم شده از سوی ساواک رژیم تنها کشته شدن یک نفر پذیرفته شد و بیه رقم اثبوه دستگیر شدگان نیز اشاره ای نکردند. آن ها تنها از دستگیری صدها فدایی و توده ای خبر دادند.

هم زمان با علنی کردن خیر تظاهرات، رژیم به کمک عوامل خود یک سری حرکات اوباشانه به راه

تظاهرات گسترده ۲۱ فروردین زحمتکشان کوی ۱۲ آبان تهران و محلات مجاور آن، تاثیر عظیمی بر جای نهاد. در هفته گذشته تاثیر این خیزش پرخروش هم بر روی مردم، چه در تهران و چه در شهرستان ها، و هم بر روی رژیم به روشنی پدیدار بود. مردم به حمایت از این تظاهرات برخاستند. در بسیاری از نقاط تهران این تظاهرات پی گرفته شد و رژیم راه راسان تر ساخت.

هنوز تظاهرات در کوی ۱۲ آبان جریان داشت که خبر آن به بسیاری از نقاط تهران رسید. از فردای آن روز علی رغم آماده باش سرتاسری ارکان های سرکوب دشمن و جنگ و دندانی که گشت های مختلف در تهران نشان می دادند، حرکت های اعتراضی مختلفی برپا گردید. مناطق مرکزی تهران و محلات دولت آباد، افسریه، نظام آباد، میدان آزادی و... از جمله کانون های حرکت های اعتراض مردم بودند. مردم بی هراس از مسلسل های آماده به شلیک مزدوران رژیم جمع می شدند و علیه رژیم، علیه جنگ و علیه کشتار مردم تظاهر کننده در محله ۱۲ آبان شعار می دادند.

رژیم در صدد مقابله به مثل برآمد. اوباشان

همبستگی جهانی با زنان ایران در روز ۸ مارس آمریکا

فداییان خلق در جنوب کالیفرنیا به مناسبت فرارسیدن هشتم مارس روز همبستگی بین المللی زنان با شرکت در گردهمایی های ویژه این روز ضمن اعلام همبستگی با مبارزات زنان پیشرو سراسر جهان به تشریح وضعیت زن در رژیم جمهوری اسلامی پرداختند.

در یک گردهمایی که با حضور رهبران جنبش صلح و چندین اتحادیه کارگری و به همراه بسیاری از اعضا و رهبران حزب کمونیست آمریکا در لس آنجلس برگزار گردید، فداییان خلق در جنوب کالیفرنیا نیز شرکت کردند و به تشریح اوضاع کنونی ایران، ادامه جنگ خانمانسوز با عراق مبارزات نیروهای انقلابی علیه رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی پرداختند. آنان پس از توضیح کامل در مورد زندگی و مبارزات زنان ایران در عرصه های اجتماعی، سیاسی و اقتصادی به سوالات شرکت کنندگان در مورد سیاست های رژیم ارتجاعی ایران و شیوه های فعالیت و مبارزه سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) و حزب توده ایران پاسخ گفتند.

میز فروش نشریات که روی آن نشریه کار، مصوبات و اسناد پلنوم همراه کمیته مرکزی سازمان بیانیه در مورد زندانیان سیاسی و مقاله ای در مورد زنان ایران به زبانهای انگلیسی و اسپانیولی ارائه شده بود بسیار مورد استقبال قرار گرفت.

همچنین در روز ۹ مارس فداییان خلق در جنوب کالیفرنیا برنامه دیگری را برای بزرگداشت روز جهانی زن بطور مشترک با "سازمان زنان پیشرو جهانی" در صفحه ۱۱

مصاحبه "اکثریت" با یکی از اعضای دفتر سیاسی "جبهه خلق برای آزادی عمان" برای پیروزی بر امپریالیسم و ارتجاع باید همه اشکال مبارزه را به کار گرفت در صفحه ۱۲

در فروغ شعله ای که انقلاب ثور بر افروخت، افغانستان به پیش می رود

با فرارسیدن هفتم اردیبهشت، هفت سال از روزی میگذرد که خلق افغانستان با سرنگونی رژیم ضد مردمی داود، سرنوش خود را بدست گرفته و افق پیشرفت و بهروزی را بر روی این کشور یخواب رفته در زرفای قرون کهن، کشود. از آن روز تا کنون، انقلاب ثور (اردیبهشت) با گذر از فراز و نشیبهای بسیار، دستاوردهای گرانقدری در همه عرصه ها کسب کرده و هرگامی که به جلو برداشته، بر خشم و نفرت و کینه تیزی امپریالیسم جهانی بسرکردگی آمریکا و مرتجعین منطقه، از جمله سران جنایتکار جمهوری اسلامی و پاکستان نسبت به خود افزوده است. جلوه بارز ضربه سنگینی که انقلاب ثور و تحولات دمکراتیک مردمی در افغانستان به منافع آمریکا و متحدین آن زده است، تلاش مذبحوحانه آنان برای بی ثبات کردن افغانستان انقلابی است. و اشکنتن هر سال دهها میلیون دلار از طریق رژیم نظامی ضیاالحق در اختیار اشرار و راهزنان مستقر در پاکستان می گذارد تا به شهرها، روستاها، کارخانه ها، مزارع، مدارس، بیمارستانها و... حمله برده مردم بیگناه را به قتل رسانند. رسانه های گروهی امپریالیستی و رادیو تلویزیون و مطبوعات جمهوری اسلامی روزی نیست که جعلیاتی بنام "اخبار" از عملیات ضد انقلابیون افغانی منتشر نسازند. آنها از جمله بارها اعلام کرده اند که "هرات در دست مجاهدین است".

در سالگشت انقلاب افغانستان کوتاه شده گزارش از هرات را به نقل از خبرنگار هفته نامه "عصر جدید" منتشر می کنیم تا دریابیم که در هرات چه می گذرد، مردم چه می کنند و اشرار به چه مشغول هستند. این گزارش را در صفحه ۸ می خوانید

در این شماره:

تابنده باد مشعل رزم فدائیان!

در آستانه اول ماه مه * * * در صفحه ۷

نگاهی به عملکرد سندیکاهای شوروی

* * * در صفحه ۱۴

رساتر باد فریاد اعتراض جهانی علیه ترور و اختناق

علیه شکنجه و اعدام در ایران

* * * در صفحه ۱۰

پنج سال از فاجعه "انقلاب فرهنگی" گذشت

در صفحه ۲

علیه رژیم متحد شویم، به حکومت ارتجاع پایان دهیم!

بقیه از صفحه اول

غریبوشعار "مرگ بر جنگ، زنده باد صلح!" هر روز رساتر می شود

انداخت. موتور سوارها و وانت سوارها در مناطق مرکزی و جنوبی شهر خاصه در نقاطی مثل میدان ولی عصر، چهار راه مصدق، خیابان مصدق، جمهوری و بهارستان به راه افتادند و به عریده کشیدن به نفع جنگ، به نفع حکومت و علیه مردم ظاهر کننده و سازمان های انقلابی پرداختند. این اوباشان که هتکی در استخدام کمیته و سپاه هستند، در این حرکات خود نیز، وحشیگری و هرزگی همیشگی شان را بروز دادند. آن ها علاوه بر شعار دادن علیه صلح و علیه سازمان های انقلابی، شعار مرگ بر بی حجاب را نیز تکرار می کردند و به زنان حمله ور می گشتند. مردم این مزدوران رژیم را بی پاسخ نگذاشتند. مردم دیگر از زنجیر و چماق و چهره های برافروخته این اوباشان مرعوب نمی شوند.

هم چنان که گفتیم در هفته گذشته تاثیر تظاهرات ۲۱ فروردین و حرکت های اعتراضی بعد از آن به وضوح بر روی مسئولین رژیم آشکار بود. آن ها علاوه بر راه انداختن یک سلسله اوباشیگری، در موضع گیری ها و سخنرانی های خود مستقیم و غیر مستقیم به این تظاهرات پرداخته و دست به فحاشی علیه مردم، سازمان های انقلابی و شعار صلح زدند. خمینی در سخنرانی ۲۹ فروردین خود برای نخستین بار ناچار شد به وجود مخالفین جنگ در داخل اعتراف کند. او که در حضور همه مسئولین کشوری و لشکری درجه اول جمهوری اسلامی و به مناسبت هفته نیروهای مسلح سخن می گفت شدیداً به مخالفین جنگ حمله کرد آن ها را یک مشت "بدبخت" دانست. خمینی در این سخنرانی گفت به "جریان خاصی که در

داخل و خارج به راه افتاده می گوید بپایید صلح کنید" اعتنا نخواهد کرد و هم چنان بر تنور جنگ خواهد دمید.

خامنه ای نیز در نماز جمعه هفته گذشته تهران به شعار صلح و مردمی که از تداوم جنگ به جان آمده اند، حمله برد. اوباشان حکومت در نماز جمعه تهران کفن پوشیده بودند و به نفع جنگ و علیه صلح شعار می دادند. خامنه ای شهادت این حرکات مزدوران حکومت را نشان دهنده پشتیبانی مردم از جنگ (!) دانست.

تبلیغات هفته گذشته و تبلیغاتی که با عنوان هفته نیروهای مسلح در روزهای جاری از جانب حکومت به نفع جنگ صورت می گیرد، بیش از هر چیز واکنش در قبال حرکات اعتراضی مردم در هفته های اخیر محسوب می شوند. رژیم از چندی پیش برای تشدید این گونه تبلیغات تدارک دیده است. از جمله از مدتی پیش هزاران فلک مجانی را در بین دانش آموزان توزیع کرده اند تا دانش آموزان در آن فلک ها برای کمک به جبهه پول جمع آوری کنند. این اخاذی به شدت نفرت خانواده ها را برانگیخته است. در جمعه هفته پیش رژیم عده ای از دانش آموزان فلک به دست را با فشار و تهدید امر تربیتی و انجمن های اسلامی در جلوی مدرسه البرز جمع کرده و سپس آن ها را برای نمایش به سوی محل نماز جمعه روان ساخت.

این گونه دهن کجی ها به خواسته مبرم برقراری صلح، بر نفرت مردم می افزاید و دامنه جنبش اعتراضی را گسترده تر می کند.

در هفته گذشته اعضا و هواداران دلیر سازمان ما با تمام قوا در حرکات اعتراضی مردم شرکت جستند. آن ها اعلامیه مشترک کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثريت) و حزب توده ایران و نیز اطلاعیه کمیته ایالتی تهران سازمان و اعلامیه ها و تراکت های منطقه ای را در هزاران نسخه در تهران و شهرستان ها پخش کرده و نقش به سزایی را در گسترش حرکات اعتراضی و تعمیق جنبش مقابله با جنگ و رژیم ایفا نمودند. فعالیت های رفقای مادر هفته های گذشته به شدت خشم رژیم را برانگیخته است. نماینده قائم شهر در مجلس، در سخنرانی پیش از دستور خود گسترش شعار صلح را کار سازمان دانست و اوباشان رژیم در وحشیگری های هفته گذشته خود با شعار دادن علیه سازمان خشم حکومت را از تبلیغات رفقای ماحول شعار صلح عیان ساختند.

قادره کشی های اوباش حکومت و توسل مزدوران مسلح رژیم به مسلسل و گاز اشک آور، مردم را از حرکت باز نمی دارد. این امر به خوبی در حوادث هفته گذشته عویدا بود. علی رغم سرازیر شدن مزدوران حکومتی به سوی محله ۱۲ آبان، اهالی این محل مراسم هفتم شهادت تظاهرات ۲۱ فروردین را برگزار کردند و یک بار دیگر نفرت خود را از رژیم عیان ساختند.

حرکات اعتراضی مردم، هم چنان ادامه دارد. آخرین خبرهای رسیده حاکی از مقاومت مردم در برابر مزدوران حکومتی در میدان هفت حوض و نیز در پارک ملت (روز ۲۹ فروردین) است. جنبش رو به گسترش است. غریبوشعار "مرگ بر جنگ، زنده باد صلح!" و خروش نفرت مردم از ارتجاع، هر روز در میهن بلادیده ما رساتر و پرطنین تر می گردد.

تعداد کشته شدگان، مخصوصاً از شهرستان ها نیرو به جبهه فرستاده و در عملیات بدر شرکت داده است تا با پخش شدن تعداد کشته شده ها در بین شهرستان های مختلف، تعداد زیاد تلفات محسوس نباشد. با این وجود اکنون خیلی از شهرستان ها کاملاً حالت عزا به خود گرفته اند و مردم به شکست عملیات بدر پی برده اند.

از زیادتر شدن اختلاف ها هم در ارتش و هم در سپاه و هم داخل میان آن دو حرف هایی شنیده می شود، چه در رابطه با جنگ شهرها و چه در خصوص عملیات بدر. این بحران خصوصاً از شلیک دفاع هوایی به سوی هواپیماهای نظامی دولتی که منجر به سقوط یک فروند شکاری اف - ۴ در قرچک گردید، تشدید شد. گفته می شود که تمام مراکز دفاع هوایی داخل و حومه تهران از رادار جهت تشخیص هواپیماهای عراق برخوردار نیستند و با شلیک یکی از مراکز اصلی بقیه هم بی محابا شلیک می کنند. این مساله موجب اصابت کلوله به یکی از هواپیماهای خودی شده که خلبان آن کشته و کمک خلبان آن مجروح گردید.

گویا به دنبال همین مساله و نظایر آن بوده که در هفته اول فروردین، دوشب پیاپی تنها بعد از ورود و عمل هواپیماهای عراقی، ضد هوایی های تهران، خیلی کم و آن هم با تاخیری قابل ملاحظه به کار افتاد که موجب شد عراقی ها بتوانند بدون دردسر دو منطقه جنوبی تهران (افسریه و ۱۲ آبان) و شب بعد دولت آباد را بزنند..."

از میان نامه ها

در شماره هفته پیش نشریه، اقدام به درج چهار نامه که به توصیف تهران در دور جدید جنگ که به "جنگ شهرها" مشهور شد، اختصاص داشت، اقدام کردیم. در این شماره نیز نظر شما را به بخش هایی از یک گزارش جلب می کنیم که یک هفته پیش از تظاهرات ۲۱ بهمن محله ۱۲ آبان نوشته شده است. در این نامه گزارش گونه به روشنی می توان زمینه های حرکت های اعتراضی ۲۱ بهمن و پس از آن را بی گرفت.

تهران جنگ زده

"... بعد از بمباران های اخیر تهران، غم و اندوه توام با خشم و غضب در سیمای مردم موج می زد. آن ها که از محله دولت آباد، کوی سیزده آبان، افسریه و خزانه دیدن کردند، ناظر بودند که چگونه مردم خانه خراب شده و به عزا نشسته با اندوه و حیرت به خانه های ویران شده و با نفرت به حزب اللیبی هایی که به آن جا آوردند تا شعار "جنگ، جنگ، تا پیروزی" سر بدهند، نگاه می کردند. رژیم که برای جلوگیری از فراگیری خشم مردم و نیز جلوگیری از هجوم مردم برای دیدن آن مناطق و از این طریق برپایی اجتماع، از اعلام آن در رادیو خودداری می کند، خودش بلافاصله هر بار دو

سه میلی بوس حزب اللیبی به آن محله های فرستد تا به نفع جنگ و به نفع حکومت شعار دهند.

و تیفه نیروهای انتظامی در این موقعیت ها که بلافاصله منطقه بمباران شده را محاصره می کنند، کنترل شدید منطقه، جلوگیری از حضور عناصر "مشکوک" و داشتن آمادگی جهت مقابله با حرکات ضد جنگ بمباران شده های باشد.

رژیم بلافاصله سعی می کند تا منطقه را با بولدوزر صاف کند به طوری که هیچ اثری از بمباران باقی نمانده باشد. پیاده کردن مقادیر زیادی شیشه در محل، جهت تعویض شیشه های خرد شده خانه های اطراف هم یکی دیگر از اقدامات حکومت است. در واقع رژیم برای از بین بردن آثار بمباران، بیشتر از نجات جان مجروحین و آسیب دیدگان اهمیت قابل است. البته از بین بردن آثار بمباران به معنی ترمیم خرابی ها نیست. بعد از بمباران کوی سیزده آبان که در جریان آن ۹ نفر کشته و خانه های زیادی خراب شدند، اهالی محل به نخست وزیری رفتند تا شاید دولت در بازسازی خانه هایشان به آن ها کمک کند. ولی پاسداران نخست وزیری با خشونت و فحاشی آن ها را بیرون کردند و گفتند خانه توی جیب ما که نیست به شما بدهیم!

نفرت مردم از جنگ به خوبی در همه جا هویدا است. رژیم خیلی هراسان است. به عنوان مثال از اعلام تعداد کشته شدگان جنگ بدر خودداری می کند. رژیم از ترس انعکاس وسیع

پنج سال از فاجعه "انقلاب فرهنگی" گذشت

سال پس از این واقعه اوباشان رژیم برد و دیوار دانشگاه نوشتند، گوشه‌ای از ابعاد این فاجعه را نشان می‌دهد: "سنگر، دانشگاه من - تفنگ، قلم من - خون، مرکب من - شهادت، مدرک من - ..."

آری با کشتار، دستگیری، شکنجه، اخراج، ترور و اختناق، این گونه باورهای سیاه و منحصر به مثابه نظرگاه رسمی حکومت در دانشگاه تبلیغ کردند و تعلیم دادند و محیط دانشگاه‌ها را به سنگر مبارزه با دانش بدل ساختند. جنگ و جبهه و کشتار جوانان تقدیس شد. قلم‌ها را به یاری تفنگ شکستند.

و اکنون پنج سال از آغاز "انقلاب فرهنگی" می‌گذرد. نتایج فاجعه بار آن در عرصه‌های اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی بیش از پیش برملا گردیده است؛ اما ارتجاع نیز در پیشبرد اهداف پلید و سیاهش ناکام و حسرت به دل مانده است. "ناتوانی و درماندگی رژیم خمینی در پیشبرد سیاست‌ها و اقدامات تبهکارانه‌اش در دانشگاه و کشمکش‌های جدی دسته بندی‌های حکومتی از یک سو، و رشد مبارزات دانشجویان از سوی دیگر، بیان وضعیت کنونی دانشگاه‌هاست" (کار شماره ۱۴)

رژیم خمینی را نه یارای تبدیل دانشگاه به حوزه است و نه توان بستن آن. نه می‌تواند دانشگاه این سنگر پرافتخار آزادی و ترقی‌خواهی را، در شرایطی که توده‌های وسیع خلق مشت‌های گره شده از خشم خویش را به شویش تکان می‌دهند، تحمل کند و نه می‌تواند آن را رام خویش سازد. در چنین شرایطی، همچنان خمینی تکرار می‌کند: "همه دردهای ایران از دانشگاه شروع شده است، ریشه همه گرفتاری‌های ما از دانشگاه بود" (خمینی در دیدار با فاضل، ۲۷ فروردین)

دانشجویان مبارز و انقلابی ایران هم‌با تقابل روزافزون توده‌ها با رژیم، این گفته خمینی را بیش از پیش به واقعیت نزدیک خواهند ساخت. آنان نشان خواهند داد که آن همه سرکوب‌گری، اختناق و تصفیه قادر نخواهد بود آنان را از همپایی و همسویی با خلقشان بازدارد. تمامی وقایع و حرکت‌های دانشجویی یک ساله اخیر مویذ این امر است. دانشجویان می‌روند که جای دیرین خویش را در جنبش خلق باز یابند.

پنج سال از آغاز فاجعه‌ای که در پایان فروردین ۱۳۵۹ شکل گرفت، می‌گذرد. در این روز یورش سراسری چماقداران و قداره‌بندان رژیم جمهوری اسلامی به دانشگاه‌های کشور آغاز شد. برای این یورش عناوین پرطمطراقی از قبیل انجام اصلاحات بنیادین در نظام آموزشی کشور، ایجاد یک نظام نوین مبتنی بر نیازهای جامعه و انجام "انقلاب فرهنگی" تراشیده بودند. اما از همان آغاز اهداف واقعی "انقلاب فرهنگی" مورد نظر "آقا" بیان آشکار بود. سطح رشد جنبش توده‌ای و حضور فعال نیروهای انقلابی و میهن‌پرست اجازه پیشبرد علنی اهداف سرکوب‌گرانه و ارتجاعی را نمی‌داد. این "انقلاب فرهنگی" و به تعبیر نماینده سازمان دانشجویان پیش‌تأم در مناظره تلویزیونی، "انهدام فرهنگی" ماهیتش را با شکل اجرایش به نمایش گذاشت:

تمام دانشگاه‌ها و مدارس عالی کشور صحنه یورش چماقداران و مرتجعین افسارگشاده‌ای گشت که با تمام کینه صدها ساله خویش به دانش و ترقی خواهی و اندیشه متعالی، به دانشجویان حمله می‌بردند؛ دانشجویانی که از دستاوردهای انقلاب در دانشگاه‌ها، از آزادی و آزاد اندیشی دفاع می‌کردند.

در دانشگاه‌های تهران، اهواز، کیلان، تربیت معلم و چندین مرکز آموزش عالی دیگر ده‌ها دانشجوی آماج گلوله‌ها و یا ضربات چاقو و قمه ایادی رژیم واقع شده و به شهادت رسیدند؛ به ویژه جنایات و فجایع انجام یافته در دانشگاه اهواز حتی اکنون نیز در میان جنایات بی‌شمار رهبران جمهوری اسلامی قابل ذکر است. دانشجویان دانشگاه تهران سه روز در زیر رگبار سنگ و چوب و گلوله فرار داشتند؛ چندین نفر کشته و صدها نفر به شدت مجروح شدند. خاطره شهدای روز دوم اردیبهشت دانشگاه‌ها، چون شهدای ۱۶ آذر ۱۳۲۲، همیشه برای دانشجویان انقلابی و جنبش دانشجویی ایران زنده و الهام بخش است.

روز بعد در نماز جمعه دانشگاه تهران مقامات رژیم مسئولیت این فجایع را به عهده گرفتند. چهار ماه بعد تعطیلی دانشگاه‌ها و مدارس عالی کشور اعلام گشت. این تعطیلی تقریباً سه سال ادامه یافت. این تعطیلی در تمام ابعاد آن فاجعه بار بود، شعاری که سه

مؤاداران سازمان، اعلامیه‌های افشاگرانه پیرامون سرکوب خونین تظاهرات محله ۱۲ آبان تهران پخش می‌کرد مورد یورش چهارتن از کسانی قرار گرفت که از افشای سرکوب‌گری‌های رژیم خمینی بی‌سناک شدند. آن‌ها به دفاع از رژیم برخاسته و ضمن پاره کردن اعلامیه‌ها، رفیق مؤادار سازمان را به شدت مضروب ساختند تا خبر این جنایت ننگین رژیم در این شیر میان ایرانیان و آلمانی‌ها بازتاب نیابد. لازم به یادآوری است که این مدافعین رژیم خمینی در عین حال خود را هوادار برخی از گروه‌های سیاسی می‌نامیدند.

مردم میهن‌ما مبنی بر قطع فوری جنگ بازتاب یافت. در پی آن مقامات رژیم جمهوری اسلامی که از دستاوردهای این اقدام انقلابی متوحش شده بودند، حرکتی را برای مقابله با آن آغاز کرده‌اند. بنا به گزارش‌های رسالی از آلمان فدرال در هفته گذشته سفارت ایران با به کارگیری همه توان خود، چند تن از افراد انجمن‌های اسلامی و کارکنان سفارت را در خیابان‌های بن به حرکت درآورد، تا شعارهای جنگ طلبانه رژیم را تکرار نمایند. سفارت جمهوری اسلامی با این خیمه شب بازی بر آن بود تا وانمود نماید که گویا ایرانیان خواستار جنگ هستند. علاوه بر این در شهر مونستر هفتانی که یکی از

اعلامیه مستر لده

بقیه از صفحه اول
توده‌های بستوه آمده از جنگ روز بروز دامنه وسیع‌تری به خود می‌گیرد. در این میان حکام جمهوری اسلامی بنا به سنت دیرین ارتجاع و استبداد خشم خود را بر سر مردم بی‌دفاع فرو میریزند. بیدادگری رژیم فرزندان در بند خلق را همچنان به مرگ تهدید می‌کند. بدنبال تشدید اعتراض بحق شما علیه جنگ و بمباران‌ها، ماموران ارتجاع به زندان اوین یورش برده و زندانیان اسیر را مورد وحشیانه‌ترین حملات قرار داده و بسیاری را مجروح و مصدوم کرده‌اند. خانواده این زندانیان دسته جمعی برای اعتراض به قم رفته‌اند. اما شره این دادخواهی، بی‌احترامی و خشونت مأمورین رژیم بوده است.

حزب توده ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثرت) بار دیگر با نفرت و انزجار این جنایات رژیم و سیاست ضد مردمی و ضد ملی و جنگ طلبانه آنرا بشدت محکوم می‌کنند و همه نیروهای ملی و دموکراتیک ایران را به مقابله و ایستادگی و اعتراض علیه آن فرامیخوانند.

هم‌میهنان عزیز!

با استفاده از هر فرصت مناسب، از تظاهراتی که علیه جنگ صورت می‌گیرد پشتیبانی کنید. رژیم ارتجاعی و استبدادی حاکم را به تسلیم در برابر اراده خلق وادار سازید. حکام جمهوری اسلامی برای اجرای سیاست ضد ملی و جنایتکارانه خود از آتش زدن به هستی شما ابا ندارند. راه برون رفت از فاجعه نابود کننده جنگ، گسترش تظاهرات اعتراض و شرکت هر چه وسیع‌تر در مبارزه بخاطر صلح است. بیاییم خیزیم و با اعتصابات و اعتراضات خود به این جنگ خانمان سوز و جنایات بی‌شمارانه ارتجاع حاکم خاتمه دهیم!

زنده باد صلح!
پیروز باد مبارزه متحد و متشکل مردم صلح دوست و آزادیخواه ایران علیه میت حاکمه ارتجاعی و استبدادی!

کمیته مرکزی حزب توده ایران
کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثرت)
۲۴ فروردین ۱۳۶۴

واکنش رژیم در برابر تظاهرات ضد جنگ ایرانیان در بن

همان گونه که در شماره‌های گذشته اکثریت خواننده‌اید در بسیاری از شهرهای جهان به دعوت سازمان‌های فدائیان خلق ایران (اکثرت) و حزب توده ایران در خارج از کشور تظاهرات گسترده‌ای علیه جنگ و علیه رژیم برپا شد. تظاهراتی که در بن پایتخت آلمان فدرال برگزار گردید با استقبال قریب به هزار تن از ایرانیان و گروهی از آلمانی‌های صلح دوست قرار گرفت. در این تظاهرات شوکه‌مند خواست و اراده

از رویدادهای ایران

مسئولین رژیم هم صد ابا خمینی :
"جنگ، جنگ، تاپیروزی"

هفته گذشته، همچون هفته پیش از آن خبر مهمی در زمینه درگیری در جبهه‌های جنگ گزارش نشد. ستاد مشترک ارتش و سپاه پاسداران جمهوری اسلامی اطلاعیه‌های میهنی خویش را در زمینه تبادل آتش در جبهه‌ها انتشار دادند و عراق نیز علاوه بر انتشار اطلاعیه‌هایی از این دست، مهمترین حمله‌ای که صورت داد پرتاب موشک به یک نفت کش قبرسی در شب چهارشنبه ۲۸ فروردین بود. این کشتی از جزیره خارک به سمت تنگه هرمز حرکت می‌کرد علاوه بر این عراق مدعی شد که یک فانتوم ایرانی را در نزدیکی شهر بصره سرنشون کرده است.

در هفته گذشته جمهوری اسلامی مساله استفاده عراق از سلاحهای شیمیایی را به عنوان محور حرکت تبلیغی خود در مجامع بین المللی برگزید و عراق نیز هشدار داد که جمهوری اسلامی قریباتصمیم دارد یک حمله بزرگ را آغاز کند.



جنگ در لجنزار

جمهوری اسلامی این اظهارات مقامات عراقی را تکذیب نکرد و برای قدرت نمایی هم در نزد عراق و هم در نزد مردم ایران، از ۲۹ فروردین تا ۴ اردیبهشت را هفته نیروهای مسلح اعلام نمود و به همین مناسبت در روز پنجشنبه که روز ارتش نامیده شده بود، یک رژه بزرگ نظامی ترتیب داد.

تأثیرات تظاهرات گسترده ۲۱ فروردین در کوی ۱۲ آبان و چند تظاهرات دیگری که پس از آن در برخی محلات تهران انجام شد و نیز تظاهرات ضد جنگ در چند شهر دیگر، به وضوح در سخنان مسئولین جمهوری اسلامی در هفته گذشته به چشم می‌خورد. خمینی در سخنرانی مهم خود در روز ۲۹ فروردین، روز آغاز این هفته نیروهای مسلح در حضور همه مسئولین درجه اول کشوری و لشکری، برای نخستین بار به وجود مخالفین در داخل کشور اعتراف کرد. وی گفت: "جریا ن خاصی در داخل و خارج به راه افتاده که بیابید صلح کنید... دیگر نمی‌شود. مگر ما چه می‌خواستیم بکنیم که دیگر نمی‌شود." وی در توضیح این که جمهوری اسلامی چه می‌خواهد بکند گفت: "اکنون فریاد یاللمسلمین ملت عراق بلند است... ما باید به داد ملت مظلوم عراق که اکنون زیر پای صدام خرد می‌شود برسیم و به ندای آنها جواب بدهیم... ما تابه آخر پافشاری می‌کنیم." در پایان این سخنرانی همه مسئولین جمهوری اسلامی یک صد فریاد "جنگ، جنگ، تاپیروزی" سر دادند.

خامنه‌ای نیز در سخنرانی نماز جمعه تهران به نوعی دیگر این سخنان خمینی را تکرار کرد. وی این که "مردم صحنه را خالی کرده‌اند" یعنی این واقعیت که مردم از جنگ و از رژیم بیزارند را تکذیب کرد و حضور نمایشی تعدادی "کفن پوش" در نماز جمعه تهران را "نشان دهنده حضور مردم در صحنه" دانست.

رژیم هجوم‌های گسترده‌نانه‌ای را در کردستان تدارک می‌بیند

با آغاز فصل گرما، رژیم درصدد است که هم چون سال گذشته دست به هجوم‌های گسترده‌ای در کردستان زده و به سرکوب مبارزات خلق کرد وسعت بیشتری ببخشد. برای تدارک یورش‌های جدید، سپاه پاسداران مرکز طی اطلاعیه‌ای از آن دسته عوامل سرکوبگر رژیم که اعزام به کردستان را می‌پذیرند، خواسته است که خود را تا تاریخ اول اردیبهشت به مراکز بسیج معرفی کنند.

اخیرا سپاه پاسداران درصدد تربیت نیروهای ویژه‌ای برای سرکوب خلق کرد بر آمده است. در کیهان ۲۱ فروردین در این مورد یک آگهی استناد از سوی این ارگان به چاپ رسیده است.

تشدید تحریکات کومله در کردستان

حملات کومله به مقرهای حزب دمکرات کردستان ایران همچنان ادامه دارد و اخیرا با حمله به قرارگاه‌های این حزب در مرکز "آژوان" و به قتل رساندن یکی از اعضای رهبری حزب بعد تازه‌ای به‌خود گرفته است.

کمیته مرکزی حزب دمکرات کردستان ایران در تاریخ ۱۰ فروردین طی اطلاعیه‌ای اعلام داشت که صدیق فرخیان عضو علی‌البدل کمیته مرکزی این حزب در سحرگاه اول فروردین بدست افراد مسلح کومله به شهادت رسید. این واقعه طی حمله کومله به قرارگاه‌های حزب دمکرات در مرکز "آژوان" اتفاق افتاد.

حمله اول فروردین کومله بخشی از حملات چند ماهه‌ایست که آنها علیه حزب دمکرات انجام می‌دهند. این حملات همزمان با تشدید تشبثات رژیم جمهوری اسلامی برای نابودی جنبش ملی خلق کرد است.

صدیق فرخیان از زندانیان سیاسی در رژیم پیشین بوده و در کنگره ششم حزب دمکرات به عنوان عضو علی‌البدل کمیته مرکزی برگزیده شده بود. حزب دمکرات طی همین اطلاعیه اعلام داشت که در بی این واقعه "در سراسر کردستان حالت ننگی اعلام می‌گردد. همه پیشمرگان حزب باید در حال آماده باش کامل باشند... تا هرگونه یورش نائنانه دشمنان جنبش کردستان را به شدیدترین وجه سرکوب کنند."

با افزایش حد اقل سطح دستمزد کارگران تاپیشترا از ۷۲ تومان مخالفت شد

به رغم مبارزات محنت کارگران در جهت افزایش دستمزد، تاجدی که لااقل بتواند تورم سرسام

آور سالهای اخیر را خنثی کند شورای عالی کار اعلام داشت که حداقل سطح دستمزد را در سطح ۷۲ تومان ثابت نگاه خواهد داشت این رقم اگر چه از میزان قبلی ۸۵ ریال بیشتر است و در نتیجه اعتصابات و اعتراضات گسترده کارگری بدست آمد ولی بهیچ رو پاسختی نیازیهای کارگران نیست و از میزانی که در برخی از واحدهای تولیدی کارگران در پی اعتصاب بدست آورده‌اند بسیار کمتر است.

میزان بهره در بانک‌های بدون بهره جمهوری اسلامی

دبیر خانه شورای عالی بانکهای ملی اطلاعیه‌ای اعلام کرد که به سپرده‌های سرمایه‌گذاری شده کوتاه مدت در سال ۶۲ به میزان ۷/۲ درصد و به سپرده‌های بلند مدت ۹ درصد بهره تعلق می‌گیرد. از آن جهت که قانون عملیات بانکی بدون ربا استفاده از واژه بهره را ممنوع کرده است، به بهره‌های برداشتی عنوان سود سرمایه گذاری داده شده است.

تصویب لایحه اعزام دانشجو به خارج در مجلس

لایحه اعزام دانشجو به خارج از کشور در جلسه ۲۲ فروردین مجلس، به تصویب نمایندگان رسید. بر مبنای قانون جدید، این دانشجویان باید "معتقد به اسلام، نظام جمهوری اسلامی، قانون اساسی ولایت فقیه باشند، با تقوا بوده و واجبات را انجام دهند و از محرمات بپرهیزند و به احزاب و گروههای ملحد و محارب وابستگی نداشته باشند." بر اساس این قانون، تنها دارندگان مدارک لیسانس به بالا برای تحصیل به خارج از کشور اعزام خواهند شد و زنان فقط در معیت مسرانسان می‌توانند برای ادامه تحصیل به خارج اعزام شوند.

خمینی: دانش آموزان را از دوران کودکی باید تحت نظر گرفت

فاضل وزیر علوم و آموزش عالی روز سه‌شنبه ۲۷ فروردین با خمینی دیدار داشت. خمینی در این دیدار به دانش، دانشگاه و دانش آموختگان تاخت و گفت "همه دردهای ایران از دانشگاه شروع شده است. ریشه همه گرفتاری‌های ما از دانشگاه بود." خمینی همچنین بر تداوم "انقلاب فرهنگی" تاکید نمود و گفت به حرف مخالفین توجه نکنید، "هر کس هر چه می‌خواهد بگوید" وی در رابطه با "اصلاح دانشگاه" گفت برای این کار باید "دانش آموزان را از دوران کودکی و مدرسه زیر نظر گرفت."

لایحه تامین و توزیع کالا از تصویب مجلس گذشت

لایحه ای، با عنوان تامین و توزیع کالا در جلسه ۲۲ فروردین مجلس به تصویب رسید. در لایحه دخالت وزارت بازرگانی در توزیع کالاهای ضروری تنها در حد نقش ارگانی که کالاها را طبقه‌بندی می‌کند، میزان مصرف و ذخیره سازی کالاهای اساسی

يك حرفه پر رونق در جمهوری اسلامی

سرنخ غالب باندها و عناصر کلاهدار و کلاش، همانگونه که کپناه در جراید دولتی نیز بازنتاب می‌یابد، مستقیم و بی‌غیرمستقیم به ارگانهای قضایی و سرکوب رژیم وصل می‌شود. ازباند جنایتکار و کلاهدار "سندرلا" و "ستاد روح الله" گرفته تا باندها و جریانهای کلاهداری از خانواده‌های زندانیان سیاسی. اوباشان رژیم در کنار تمام مصائب و فجاجی که حکومت "ولایت فقیه" در زمینه‌های گوناگون به بار آورده است، دکانهای متعددی برای سرکشیه کردن مردم، به بهانه رتق و فتق مشکلات آنان می‌کشایند. امروز کلاشی و کلاهداری برای کسانی از عمال حکومت وعده‌ای از اوباشان جامعه، به یک حرفه پر رونق و به منبع پر درآمدی تبدیل شده است.

کلاهدار دیتری به نوشته روزنامه‌ها با نام مستعار محسن رضایی خانواده‌های زندانیان سیاسی را میچاپید و باز فرد دیگری بنام احمد صفری خود را از بستخان و منسوبین برخی از مقامات دادستانیها (اوبس، امورصفی و...) معرفی، و مبالغه‌گفتنی از خانواده‌های زندانیان سیاسی اخاذی می‌کرد. برخی از این کلاشان با تشکیل باند در تهران و شهرستانها اخاذی میکردند که به نوشته روزنامه‌ها شناسایی و دستگیر گردیدند.

جریان اخاذی از خانواده‌های زندانیان سیاسی، مسأله چند ماه اخیر نیست. از زمانیکه تعداد بی‌شماری از فرزندان خلق، به دست استبداد و ارتجاع ولایتی به بند کشیده شده‌اند، این جریان نیز، همای آن شکل گرفته و بطور روزافزون گسترش یافته است. این جریان چرکین نیز، مثل جریانات مشابه از درون نهادها و ارگان‌های فاسد رژیم برخاسته است. سرکرده‌ها و مسولین بالای این ارگانها در مواردی بدون هیچگونه پوششی و تحت عناوینی مثل سهم امام به جیبه، حساب ۱۰۰ و... مستقیما خود اقدام به اخاذی می‌نمایند. همین رسم و سنت "آقایان" را، گاهی کلاشانی که معمولاً در درون و جنب نهادها هستند، بکار می‌گیرند. اینها بطور انفرادی و یا در گروههای چند نفره کار می‌کنند. و بخش مهمی از جنایتها و تجاوزها و زددریها و کلاهداریها در سطح کشور بوسیله همین باندها انجام می‌گیرد. این دسته در جریان اخاذی از خانواده‌های زندانیان سیاسی، سخت فعالند. آنها حتی در مواردی اشخاصی را صرفاً بخاطر اخاذی دستگیر نموده و یا انتساب اتهامات سیاسی، آزادیشان را به پرداخت پول مشروط می‌کنند. همه این اقدامات کلاشانه از طرف این اوباشان بدون کوچکترین تترائی و با فراغ خاطر انجام می‌گیرد.

در شرایطی که تمام حقوق اجتماعی، قضایی و انسانی مردم ستمدیده میهمان با خشن‌ترین شیوه‌های قرون وسطایی پایمال می‌شود و در حالیکه دستاهای قضایی و سرکوب ارتجاع حاکم ماوای کلاهداران و کلاشان است، روند گسترش جبریت آور و بیسابقه این جریان هیچ تعجیبی بر نمی‌انگیزد. این پیامد ناگزیر حکومتی است که سرتاپای آن فاسد و عفونت بار شده است.

را مشخص می‌سازد و در مشاورت با نماینده صنف مربوطه، دستاهای مسئول توزیع را به تناسب نوع کالا معین می‌کند محدود شده است. مطابق این قانون وزارت بازرگانی دخالتی در نحوه تامین و توزیع کالاهای عادی و کالاهای ضروری که با کمبود مواجه نباشند، ندارد و بنا بر توصیه سران بازار به گرفتن یک پز ارشادی اکتفا کند.

با وجود این قانون دیگر سران بازاری می‌توانند نسبت به برخی دخالتهای "غیرقانونی" در امر توزیع، شکایت کرده و "زیاده‌رویهای" گذشته را مورد استیضاح قرار دهند.

در جمهوری اسلامی و احد توزین مواد مخدر "تن" است

اعتیاد به مواد مخدر به شکل بسیار حیرت انگیز و فاجعه باری در حال گسترش است. حتی آمار حکومتی در صفحه حوادث روزنامه‌ها نشان می‌دهد که قاچاق مواد مخدر چه دامنه سرسام آوری پیدا کرده است. ابعاد این بلای خانمانسوز به حدی است که در آمار مذکور دیگر کمتر از واحد کیلو سخن گفته می‌شود و همه چیز با تن اندازه گیری می‌شود. به عنوان نمونه تنها در روز ۱۸ فروردین در شهر زاهدان سخن از کشف ۱/۷ تن تریاک خالص رفت. چند روز پیش از آن نیز ۱/۴ تن تریاک کشف شده بود.

آمار کشفیات ژاندارمری زاهدان در سال گذشته از این قرار است:

کل مواد مخدر مکشوفه	۷/۷۲۲ تن
تریاک	۵/۸۷۰ تن
مروئین	۱/۱۱۲ تن
حشیش	۶۵۴ کیلو

از همین آمار با توجه به شیوه "مبارزه" رژیم با مواد مخدر و نقش ارگانهای حکومتی و ضد انقلابیون افغانی در امر قاچاق می‌توان پی برد که میزان مواد توزیع شده در میان مردم بویژه جوانان را باید با چه ارقام حیرت انگیزی سنجید.

مشاغل مجاز برای کارگران افغانی

جمهوری اسلامی که در جهت خواسته امپریالیسم مبنی بر کینه توزی لجام کشیخته با دولت انقلابی جمهوری دموکراتیک خلق افغانستان عمل می‌کند و ایران را به ماوای توطئه‌چینان علیه افغانستان تبدیل ساخته است، اخیراً دستور العملی در رابطه با اشتغال کارگران افغانی ساکن ایران که تحت تاثیر القایات امپریالیسم و عوامل داخلی و خارجی آن به صورت غیر قانونی از کشور خود خارج شده‌اند، ارائه کرده که جنبه دیگری از سو استفاده رژیمهایی از قبیل جمهوری اسلامی از این دسته از افغانی‌ها را نشان می‌دهد.

بر اساس این دستور العمل، کارگران افغانی فقط مجازند در ۱۲ شغل بسیار طاقت فرسا از قبیل کارگری در کوره‌پزخانه‌ها، کوره‌های گچ‌پزی، شیشه‌گری‌ها، سالامورسازی‌ها و نظایر اینها به کار گمارده شوند. این کارگران باید دارای کارت اشتغال موقت یکساله باشند که برای صدور آن لازم است ۱۰۰۰ ریال به حساب خزانه داری کل پرداخت شود.



مسولین قضائی رژیم، به لحاظ گسترش بی‌بند و بار اخاذی از خانواده‌های زندانیان سیاسی و عم چنین بخاطر تطهیر چهره سرکردگان رسوای حکومت مجبور شده‌اند، چند تن از این کلاشان را که با عنوان دلان سرکرده‌های رژیم اقدام به اخاذی می‌کردند، معرفی کنند. بعنوان مثال، شخصی بنام مجتبی لاجوردی که خود را از خویشاوندان جلداد اوبس معرفی می‌کرد، با وعده آزادی فرزندان زندانی خانواده‌ها اقدام به اخاذی از آنها می‌نمود. و یا

مجازات بخاطر مبارزه با رژیم پیشین

رژیم خیانت پیشه خمینی از زندانیان سیاسی رژیم شاه، بخاطر مبارزاتشان انتقام می‌گیرد. جلدان این رژیم تا آنجا که توانسته‌اند این زندانیان را که با اوچگیری انقلاب از زندانها آزاد شده بودند، کشتند. گروه بسیاری را بار دیگر به همان زندانها و سلولهای سابق بازگرداندند و دسته‌ای را وادار به مهاجرت کردند. آن کسان معدود که هنوز باقی مانده‌اند، فاقد هرگونه امنیتی هستند. هر لحظه ممکن است به خانه و یا محل کار آنها بریزند و دستگیرشان کنند. اکیب‌های تعقیب و مراقبت مدام آنها را تحت کنترل دارند. علاوه بر اینها بافتن کار برایشان بسیار دشوار است. بسیاری اوقات صراحتاً به آنان می‌گویند که بخاطر زندانی بودن در رژیم پیشین نمی‌توانند استخدام شوند. به کلیشه‌نامه‌ای که در تاریخ ۲۴ فروردین در روزنامه دولتی کیهان چاپ شده است توجه کنیم:

قوانین طاغوتی در ادارات رانگو گنبد

در حال حاضر کارمند یکی از کارخانجات دولتی هفتم چندی پیش بدنبال درج اگهی استخدام کارشناس امور دانشجویی برای مجتمع آموزش عالی دهخدا تقاضای خود را ارسال داشت، چند روز بعد که برای اخذ کارت ورود به جلسه امتحان به این مجتمع مراجعه کرد مسئول توزیع کارت‌ها اعلام کرد چون شما دارای برگ معافیت از خدمت نیستید برگ محرومیت از خدمت دارید لذا سازمان امور اداری و استخدامی از پذیرش تقاضای شما خودداری کرده است، در اینجا قابل ذکر است اینجانب فرسال ۱۳۵۳ به علت فعالیت‌های سیاسی توسط ساواک دستگیر و مسدودت سه سال در زندان بودم و طبق قانون گذشته گسالتیکه بسیش از ۲ سال در زندان بوده‌اند از خدمت محروم و کارت محرومیت از خدمت به آنها داده خواهد شد. بر این اساس این کارت نیز برای اینجانب صادر شده، با این حساب آیا رواست که به جسم زندانی بودن در رژیم گذشته از خدمت در سازمانهای دولتی محروم باشم، از سازمان امور اداری و استخدامی انتظار می‌رود که پاسخ روشنی برای این مسأله داشته باشند که آیا زندان دیده رژیم گذشته باید در نظام جمهوری اسلامی به نوعی دیگر محرومیت را تحمل کند. امضا - ح - ۱



"اول حق بهره‌وری، بعد کار"

* اراک - در کارخانه ماشین سازی اراک مثل دیگر کارخانه‌های کشور دریافت حق بهره‌وری از جمله مطالبات دائمی کارگران است. کارگران این کارخانه به طور پیتیر در جهت اخذ آن مبارزه می‌کنند. در همین راستا روی اکثر ماشین‌های کارخانه نوشته اند: اول حق بهره‌وری کار، بعد کار. در هراس از واکنش خشمگین کارگران، مسئولین جرات پاک کردن این شعار را ندارند.

کارگران ماشین سازی اراک علاوه بر این و علاوه بر دیگر مطالبات، از این که کارخانه را در خدمت جنگ قرار داده اند، ناراضی هستند. سپاه پاسداران کار مونتاز بولدورهای مورد نیاز جبهه برای سنگر کتی را به این کارخانه سپرده است. این بولدورها را از ژاپن وارد می‌کنند. در کارخانه پس از کمی کار و نصب آرم سپاه آن‌ها را روانه جبهه می‌کنند. از میان کارگران معترض، شش تن از کارگران واحد طرح و توسعه به خاطر عدم همکاری در ساخت بولدورها، از کار اخراج شدند که با اعتراض شدید دیگر کارگران مواجه شد. با حمایت جمعی کارگران، دو تن از اخراج شدگان به کار بازگشتند اما هنوز چهار نفر دیگر بلاتکلیف هستند.

در چنین شرایطی کارگران برای تولید و نگاهداری دستگاه‌های تولید میچ گونه کوشی نشان نمی‌دهند. چندی است که در این کارخانه هر از چندگاه برخی از دستگاه‌ها و ماشین‌ها از کار می‌افتند. از جمله دستگاه اتوماتیک مربوط به خلا مکش دیگ بخار تخریب شده است.

خودکفایی!

* اراک - از جمله شعارهای عوام‌فریبانه‌ای که هنوز هم که گاه سردمداران حکومت تکرار می‌کنند، "خودکفایی" است. در حالی این شعارها هنوز هم شنیده می‌شود که رژیم چهار نعل در جهت تحکیم وابستگی صنایع کشور به انحصارات امپریالیستی پیش می‌رود. کارخانه هیکو در اراک نمونه‌ای از آن است.

در این کارخانه خط تولید خودکفایی که کار آن تولید غلطک بود، اخیراً مونتاز کردید را آغاز کرده است. قرار داد مربوطه متعلق به کمپانی FAUN از آلمان غربی است. مسئولین این قسمت سه نفر آلمانی، یک انگلیسی و یک ایرانی تبعه آلمان هستند. خط تولید لودر در اختیار کمپانی سوئدی VOLVO قرار دارد که دو نفر سوئدی سرپرست آن هستند.

در دو خط دیگر بیبل مکانیکی و بولدور تولید می‌شود که در اختیار کارخانه CLBHEAR از آلمان فدرال است. مسئولین این بخش ۵ نفر آلمانی هستند. علاوه بر این افراد، هر از چندگاه نمایندگان از کمپانی‌های آلمانی و سوئدی برای بازرسی و نظارت به کارخانه می‌آیند.

معاملات دولتی
خون یغمای پیمانکاران

* اهواز - در مهر ماه سال ۶۱ ستاد باسازی و نوسازی مناطق جنگ‌زده استان خوزستان جهت ساختمان یک باب انبار، قراردادی با یکی از پیمانکاران به نام سیاوش محمودی بست. هزینه کار ۸۵ میلیون ریال و زمان آن یک سال و نیم پیش بینی شده بود. این پیمانکار بدون شرکت در مناقصه و صرفاً به خاطر بند و بست که با رئیس این ستاد - لایمجانیان - داشت، موفق به عقد این قرارداد شد. از طریق همین بند و بست، پیمانکار بسیار بیشتر از مبلغ قرارداد یعنی در حدود ۱۲۰ میلیون ریال پول نقد و مصالح ساختمانی از ستاد دریافت کرد. او به تعهد خود مبنی بر تحویل ساختمان تا یک سال و نیم هیچ‌گاه عمل نکرد. اکنون که دو سال و نیم از امضا قرارداد می‌گذرد، هنوز ساختمان تحویل داده نشده است.

بخش قابل‌توجهی از مصالح دریافتی صرف دیتیر کارهای این مقاصد کار بزرگ از قبیل آبارتمان سازی در پشت خیابان سی‌متری شد و بخشی از آن نیز روانه بازار سپاه گردید - بنا به برآوردهایی که صورت گرفت از ۱۲۰ میلیون ریال دریافتی، کمتر از نصف آن صرف بنای انبار شد و بقیه را در بازار سپاه تبدیل به احسن کردند.

مصالح به کار گرفته شده در بنا و کیفیت کار به گونه‌ای بود که در آذرماه ۶۲ پس از این که با نسبتاً تندی وزید، قسمتی از سقف انبار فرو ریخت و در اصلی آن از جا کنده شد.

دزدی چنان آشکار و بی‌پرده صورت گرفته بود که اعتراض چند تن از بازرسان را برانگیخت آن‌ها تصمیم به طرح آن در دادگاه گرفتند. مسئولین ستاد که مخالف این کار بودند، به نصیحت پرداختند که دست از جدل باید برداشت و مسایل را به طریق اسلامی و برادرانه حل کرد. اما بالاخره در دادگاه طرح دعوی شد. اما در آنجا هم بازرسان ابتدا از پذیرش شکایت خودداری نمود و مدعی گردید که چون "مساله صنفی است به ما مربوط نمی‌شود." با زور هم چنین می‌گفت: این پرونده سبک است از آن بگذرید، ما پرونده‌های چند صد میلیونی داریم.

اگر چه دادگاه اهواز بالاخره شکایت را پذیرفت ولی هیچ‌گاه آن را پی نگرفت. اکنون که چند ماه از زمان طرح شکایت می‌گذرد، حتی یک سؤال و جواب ساده هم از این پیمانکار، این دزد سرگردنه نگردند.

* اهواز - در سال ۶۱ ستاد باسازی و نوسازی مناطق جنگ‌زده خوزستان بابت خرید قیر سفت، مبلغ ۱۰۴ میلیون ریال به حساب پیمانکاری به نام خسروشاهی واریز می‌کنند.

چندی پس از آن پیمانکار که قیر را از پالایشگاه‌ها تحویل گرفته بود به ستاد تحویل داد. اما کمی که گذشت در بی‌گرم شدن هوا معلوم شد که قیر تحویلی برخلاف قرارداد از نوع نرم است از این رو ذوب شده و در محیط انبار به راه افتاد. مسئولین که با پیمانکار زدو بند داشتند به جای پیگیری قضایا دستور می‌دهند قیرها را در همان محل انبارها دفن کنند. لذا با صرف هزینه بسیار با لودر زمین انبار راکنده و کارتن‌های قیر را در آن می‌ریزند.

بنا به برآوردهای موجود بهای قیرهای تحویل داده شده فقط ۴۲ میلیون ریال است و پیمانکار علاوه بر این که طبق مفاد قرارداد عمل نکرد، بیش از ۶۰ میلیون ریال اضافه دریافت کرده است. با این که گزارش‌های این دزدی آشکار تنظیم گردیده بود مسئولین ستاد دستور دادند از پیگیری آن خودداری شود و پرونده مختومه تلقی گردید.

در شرایطی بودجه ستاد را این گونه به تاراج می‌دهند که مسئولین این ارگان به بهانه کسر بودجه بسیاری از کارکنان را اخراج می‌کنند.

در شب عید، آب را کوپنی کردند

* تهران - رژیم جمهوری اسلامی که از سنن مابغ نفرت دارد، با هزار ترفند کوشید از برگزاری مراسم نوروز جلوگیری کند. علاوه بر این که در آستانه نوروز با تشدید جنگ مردم را به عزای نشانند، همه وسایل دیگر را نیز برای خرابکاری در برپایی این مراسم به کار گرفتند.

در تهران سه ساعت مانده به تحویل سال، به دستور مقامات آب بخش وسیعی از تهران را قطع کردند. قطع نابه هنگام آب درست در رفتاری که مردم مشغول پخت و پز، نظافت و... بودند، مشکلات بسیاری به بار آورد. مردم برای تامین آب با سطل‌های خالی در خیابان‌ها به راه افتادند. کمی پس از قطع آب، رادیو اعلام داشت که کوپن شماره ۱۲ برای دریافت ۲۰ لیتر آب اختصاص یافته است و سپس تانکرهای شهرداری به توزیع آب در محلات تهران پرداختند.

صف درازی از مردم با گالن و سطل در دست در جلو تانکرها تشکیل شد و قطع آب تا ۲۴ ساعت ادامه یافت.

برای تکمیل مشکلات مردم در لحظه آغاز سال نو، کل برق شهر را هم قطع کردند و همه وسایل برقی را از کار انداختند. امسال در چنین فضایی مردم سال نو را آغاز کردند.

توزیع قلک برای جمع آوری "کمک"

* شازند - در ادامه تبلیغات جنگ افزوزانه و صحنه‌سازی‌های نفرت‌انگیز سرکردگان رژیم، در شازند اراک در بهمن ماه تعداد بسیار زیادی قلک میان دانش‌آموزان و معلمین و گروهی از اهالی روستاها توزیع کردند. مسئولین از دانش‌آموزان و دیگران خواستار شدند تا "کمک‌های مالی" خود را به جبهه، در این قلک‌ها بریزند.

مردم این اقدام را به مسخره گرفتند و همه قلک‌ها را که سفالی بود به زمین زده و شکستند. در روستاهای قلعه، بازنه، سرسختی علیا و حجره حتی یک قلک هم سالم باقی نماند. صحنه گردان این نمایش مبتذل "جهاد سازندگی" بود.

مردم، پاسداران را فراری دادند

* ساوه - در میدان اصلی شهر ساوه پاسداران در پی مشاجره با یکی از پزشکان شهر با او به زدو خورد پرداختند. در این درگیری این پزشک و همسرش مصروب شدند. مردم با دیدن این صحنه به مقابله با پاسدارها برخاستند و آنان را وادار به گریز از محل نمودند.

مادامه کاری خود را حفظ کرده و بر سطح و گسترده‌گی تبلیغاتمان بیفزائیم.

تابنده باد مشعل رزم فدائیان!

* گزارش یکی دیگر از بخشهای تهران:
"میزان تولید یک ماهه: مجموع تولید ۲۰۰۰ برگ- اعلامیه و تراکت در رابطه با جنگ، تورم و گرانی، آزادی زندانیان (مجموعاً ۵۰۰ عدد تراکت)، سالگرد تولد سازمان و ۲۶ بهمن (۱۰۰ عدد)، پیام پلنوم (۵۰۰ عدد).
در ضمن علاوه بر تولیدات فوق، تعداد ۴۰۰ عدد برچسب و حدود ۲۰۰ شعار، بر روی دیوار و کیوسک و اتوبوس برده شد.

پخش از سه طریق صورت گرفت: احساندن روی دیوار و محلهای مناسب ۲ پست نمودن برای کارگران ۲- انداختن در خانه‌ها و در اتوبوس و محلهای مناسب.

۵۰۰ عدد اعلامیه و تراکتها در اتوبوسها و مینی‌بوس‌های مسیرهای زیرپخش شد.
بهارستان-جمهوری، انقلاب-سازقانی، انقلاب-امام حسین، در مسیرهای خیابانهای سلسبیل، سیه‌غربی، هاشمی، آریانا، جمهوری، باغ‌سپه‌سالار، بهارستان، سعدی، انقلاب، دروازه دولت، استانبول و فردوسی نیز اعلامیه پخش گردید...

... در باغ سپه‌سالار که یکی از مراکز کارگری است چند عدد از پیام پلنوم را به صورت تایپ شده در چند نقطه به دیوار چسباندند. تاثیر این عمل در بین کارگران بسیار مثبت بوده و خیلی‌ها در مورد مسائل مطرحه در آن بحث کرده‌اند.

... از طریق پست برای یکی از کارگران مذهبی پیام پلنوم و چند اعلامیه دیگر فرستاده شد. این کارگر اوراق مربوطه را در جیب خود گذاشته و به هر کارگری که می‌رسید نشان می‌داد. وی شدیداً تحت تاثیر قرار گرفته و از مطالب آن دفاع می‌کرد.

* ... در تاریخ ۲۲ اسفند دهه تراکت سازمان در مورد فرارسیدن سال نو در میدان شهدا پخش شد. خیلی‌ها تراکتها را به سرعت برداشته و به شکل جالبی در جیب خود می‌گذاشتند و از محل دور می‌شدند.

* در رابطه با تشدید جنگ و حمله به مناطق مسکونی اعلامیه‌های متعددی از سوی فعالین فدایی انتشار یافته است. متن یکی از این اعلامیه‌ها چنین است:

جنگ و کشتار و ویرانی

ارمغان رژیمهای ضد مردمی صدام و خمینی

هم میهنان!

رژیم ضد مردمی حاکم، امسال هم بوی متعفن جنگ را به جای عطر بهاری، و خون مردم زحمتکش میهن را به جای شکوفه‌های سپید نوروزی نشانده است. رژیم در حالی بر آتش جانسوز جنگ، همچنان می‌دمد و همراه با رژیم ضد مردمی صدام، مردم ایران و عراق را در قربانگاه جنگ نابود میکند که مردم دو کشور، باتک رسای اعتراض خود را بیش از پیش علیه جنگ بلند کرده‌اند.

بقیه در صفحه ۱۴

ارتجاع به تب و تاب افتاده است. حرکت‌های اعتراضی اخیر مردم بویژه تظاهرات گسترده ۲۱ فروردین در جنوب شهر تهران، ارتجاع را واداشته است با هراس بر تعداد کشته‌های مخفی و علنی خود در سطح شهرها و برشتاب بیشتر و دستگیری نیروهای انقلابی بیفزاید. رژیم خود می‌داند تاکنون تا چه حد در مورد سرکوبی کامل نیروهای انقلابی دروغ بهم بافته است و حال به خوبی آگاه است که با تشدید مبارزات خلق، هر روز زمینه‌های بیشتری برای تشدید مبارزات نیروهای پیشاهنگ فراهم می‌شود.

اعضا و هواداران دلاور سازمان هاء همگام با رزم خلق دایره تبلیغات خود را وسعت بخشیده‌اند. وسعت کار رفقای ما ارگانهای امنیتی رژیم را به حیرت واداشته است. اظهارات برخی مسولین رژیم در دو هفته گذشته در رابطه با فعالیت‌های تبلیغی سازمان ما بویژه در زمینه بردن هر چه وسیعتر شعار صلح به میان مردم، به خوبی این موضوع را نشان میدهد.

ماتاکون گوشه‌هایی از گزارشهای تبلیغی اعضا و هواداران سازمان در داخل کشور را در نشریه "اکثرت" بازتاب داده ایم. در زیر توجه شما را به چند بریده گزارش دیگر در این زمینه جلب میکنیم:

* بندرانزلی:

"در روز ۲۲ بهمن هواداران سازمان دهها تراکت در این شهر نصب و پخش کردند. از جمله فعالیت رفقا این بود که دو تراکت بزرگ را در مسیر راهپیمایان نصب کردند که بسیار خشم سپاه را برانگیخت."

* کیشور:

"به مناسبت ۲۲ بهمن، رفقا تراکت‌هایی در مورد ۱۹ بهمن و ۲۲ بهمن در این شهرک پخش کردند. کسانی که تراکتها را دیده بودند از این موضوع ابراز خوشحالی می‌کردند."

* رودس:

"در سالگرد انقلاب، تعداد کثیری اعلامیه و تراکت در رودس پخش شد و تعدادی نیز از طریق پست، توزیع گردید. بازتاب این فعالیت تبلیغاتی، چشمگیر بود."

* بخشی از گزارش تبلیغی یکی از بخشهای تهران:

"گزارش تبلیغی ۲۲ بهمن- در روزهای منتهی به سالگرد انقلاب رفقا حدود ۲۱ الی ۲۴ هزار تراکت و اعلامیه در رابطه با ۱۹ بهمن و ۲۲ بهمن و نیز پیام پلنوم به مردم ایران را پخش کردند. تعداد کثیری از تراکتها و اعلامیه‌ها بر روی دیوار نصب گردید.

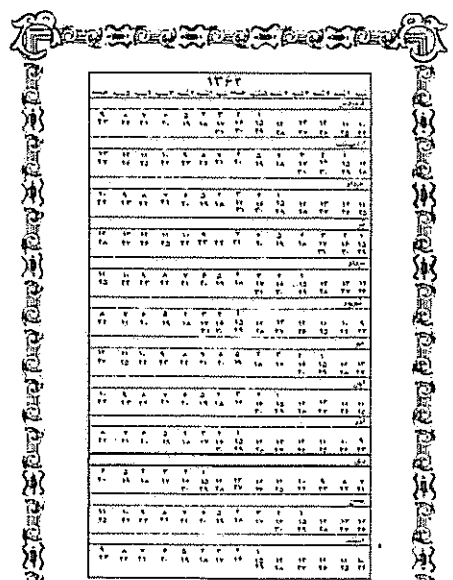
در طول این مدت کار شعار نویسی نیز با شدت دنبال شد. اکنون کمتر کیوسک تلفنی در مرکز شهر تهران دیده می‌شود که یا شعار تازه‌ای از مادر آن به چشم نخورد و یا دو ظرف آنرا سیاه نکرده باشند. برخی شعار نویسی‌ها خیلی موثر بوده است از جمله شعار نویسی در ترمینال اتوبوس میدان توپخانه.

اخیراً رژیم خیلی روی پاک کردن شعارها تکیه گذاشت. جالب اینجاست که خیلی شعارها از زیر رنگ هم دیده می‌شود از جمله شعار چهارراه مصدق که با گل سازمان تزیین شده بود همه را به حیرت انداخت.

در پخش تراکت و اعلامیه علاوه بر کوچه‌ها و خیابانها، در مراکز تجمع عمومی نیز رفقا فعال بوده‌اند: اتوبوسها، حمام‌ها، سینماها، مطب‌ها، درمانگاهها و بیمارستانها و مدارس از جاهایی هستند که برای پخش مناسبند. در زمینه پخش در مراکز پر جمعیت رفقا از ابتکارات جالبی استفاده می‌کنند.

بعنوان نمونه در میدان انقلاب شیوه بالن برای پخش تراکت استفاده شد که بسیار موثر بود. همه از این اقدام حیران شده بودند. همچنین رفقا در یک پاساژ واقع در خیابان حافظ تراکت‌های زیادی هوا کردند. در ترمینال اتوبوس پارک شهر نیز علاوه بر پخش اعلامیه شعارهایی در مورد ۱۹ بهمن و ۲۲ بهمن نوشته شد.

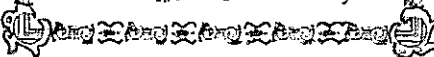
خوشبختانه با این حجم گسترده فعالیت تبلیغاتی تا امروز (۲۶ بهمن) ما تنها یک مورد دستگیری داشته‌ایم. علی‌رغم افزایش فشار و اختناق از سوی ارگانهای سرکوب حکومت و تشدید کنترل و مراقبت، رفقا در انجام وظایف تبلیغی خود، شور و تحرک فوق العاده‌ای نشان میدهند. به عنوان مثال در میدان توپخانه هیچ کس فکرش را نمی‌کرد که یکبار دهها شعار نوشته شود. رفقا معتقد هستند که می‌باید در انجام وظایف تبلیغی، همین روند را ادامه دهیم و هر چقدر حکومت بر پیگردهای خود بیفزاید،



سال نو، سال اتحاد و گسترش مبارزه علیه

ارتجاع حاکم و امپریالیسم، مبارک باد!

هواداران سازمان فدائیان خلق ایران (اکثرت)



تقریب فوق از طرف واحدی از هواداران سازمان تهیه شده و در سطح وسیعی در تهران پخش شد.

گزارشی از هرات، هفت سال پس از انقلاب ثور

هرات حقیقتاً مروراید افغانستان است که حصار سیز رنگ خیابانها و باغها آن را در میان گرفته است. در میان یکی از این باغها، استانداری هرات واقع است که در آن، میهمانانی که از کابل آمده اند پذیرایی می‌شوند. عبدالمجید سر بلند، معاون رئیس شورای وزیران جمهوری دمکراتیک افغانستان، به آنجا آمده بود تا ایستگاه تلویزیونی هرات را افتتاح نماید. گلداد، یکی دیگر از معاونین نخست وزیر، میخواست ببیند اصلاحات ارضی و آبی در این استان چگونه پیش می‌رود. همراهان او عبارت بودند از وزیر کشاورزی و وزیر آبرسانی. سفر من به هرات نیز هدف معینی داشت: می‌خواستم به دیدن دوستم توران رسول که هنگام اقامت قبلی ام در هرات با او آشنا شده بودم، بروم.

دو "سردسته"

توران اسم نیست، بلکه معنی "سردسته" را می‌دهند. اما هر کس توران را بشناسد، او را دیگر همیشه توران به یاد می‌آورد. این واژه به جزئی از اسم او تبدیل شده است.

در بهار ۱۳۶۲ در کابل گروهی بزرگی از سرکردگان سابق "مجاهدین" که به قدرت مردمی روی آورده اند تشکیل شده بود. هر شرکت کننده‌ای، تشریح می‌کرد که چرا علیه انقلاب موضع گرفته، چه اشتباهاتی مرتکب شده و چرا تصمیم گرفته است در خدمت جمهوری دمکراتیک قرار داشته باشد. توران رسول اولین کسی بود که در تالار جبهه ملی پدروطن، به گمراهی خود در گذشته اذعان نمود.

توران در سال ۱۳۵۸ در سن سی سالگی بعنوان بخشدار و بعداً بعنوان رئیس یک قوم صدهزار نفره اطراف هرات انتخاب گردیده بود. "حزب اسلامی افغانستان"، که در خارج مستقر شده بود، علاقه مفرطی به رئیس جوان ایل نشان می‌داد. گلبدین حکمت‌یار، رئیس این گروه مهاجر، بارها نمایندگان به محل فرستاد و بعداً پول، اسلحه و نثریات تحریک آمیز نیز به آن اضافه شد. به افراد قبیله می‌خواستند بزرگ بقبولانند که "اسلام در خطر است!" "رئیس کفار را سرتکون کنید!" "از لکه دار شدن عفت زاننان بدست مارکسیستها جلوگیری کنید!" بدین ترتیب، دهقانان ناآگاه و بی‌سواد که دهها سال علیه هر حکومتی جنگیده بودند، سلاح بردست گرفتند. رهبران چنین گروههایی عموماً توران نام دارند. رهبران ضدانقلاب افغانی که به پاکستان و ایران پناه برده بودند همچنان با ایل رابطه داشتند. صدها تن از مردان ناحیه در اردوگاههای خارج از کشور برای انجام عملیات خرابکاری آموزش دیدند. به پیشنهاد حکمت‌یار، توران رسول مسئول حزب اسلامی افغانستان در استان هرات گردید.

رسول در گروههایی یاد شده در کابل گفت: "ما با سلاح وبا گفتار علیه جمهوری می‌جنگیدیم و هر روز در انتظار سقوط آن بودیم. اما می‌دیدیم که انقلاب بر دشواریهای بزرگ چیره می‌شود و هر روز در میان مردم پشتیبانی گسترده‌تری می‌یابد. من بی‌بردم که ما در سمت نادرست مبارزه قرار داریم. وقتی به

ابتکار ببرک کارمل عفو همه کسانی که داوطلبانه اسلحه را بزمین بگذارند اعلام شد، برای ما راه درست هموار گردید." تصمیم پیوستن به دولت در یک نشست ریش‌سفیدان ایل گرفته شد. اکثر آنها با این امر موافق بودند و از جنگیدن بدون آگاهی به علل آن خسته شده بودند. آنها می‌خواستند بذر پهباشند، دانداری کنند و کودکان خود را پرورش دهند. اما صداهای مخالف هم بود که می‌گفتند: "عفو عمومی فریب است، مقامات همگی یکجورند" و یا: "تفتک نان آور بیتری از زمین است". مادر رسول سرخود را بزمین می‌زد، چرا که فکر می‌کرد اگر پسرش به هرات رفته و خود را تسلیم کند، بستگانش او را دیگر مرکز نخواهند دید.

اما جمهوری حرف و عملش یکی است. افراد ایل امکان یافتند تا در آرامش روی مزارعشان کار کنند. به آنها اجازه دادند تا سلاحهایشان را برای دفاع از خود در برابر "مجاهدین" نگه دارند. چهارصد تن از این افراد دسته‌ای برای دفاع از انقلاب ایجاد کردند. طبیعی بود که رسول به ریاست این دسته تعیین شود.

در جریان این چرخش سرنوشت ساز بود که من با رسول آشنا شدم. اکنون بار دیگر برای صرف چایی سبز معطر در دفتر خاد (خدمات امنیت دولتی) در هرات نشسته‌ایم. دسته رسول مرتباً عملیات اکتشافی خطرناک در پشت جبهه انجام می‌دهد تا پناهگاهها و انبارهای اسلحه اشرار را پیدا کند. در همان اتاقی که رسول خود را تسلیم کرده، اکنون خود وی رفت و آمد میکند.

اشرار که قسم خورده بودند از رسول انتقام بگیرند، هسر وی را ربوده و دو تن از معاونینش، را به



مدافعین انقلاب ثور

دام انداخته و وحشیانه کشتند. بانزده تن از افراد دسته در زد و خوردها به قتل رسیده اند. او میگوید: "ما اخیراً در نژدیک به پنجاه عملیات شرکت کرده‌ایم، وظیفه ما حفظ آرامش و نظم در منطقه‌ای است که شامل دهه‌اروستایی‌ها بود."

معاون رئیس "خاد" در استان می‌گوید: "آری، باندهای توران اسماعیل دیگر جرات نمی‌کنند به این نواحی بیایند." نام توران اسماعیل را قبلاً شنیده بودم. یک سردسته دیگر، یک سرنوشت دیگر، اما سرنوشتی به کلی متفاوت.

اسماعیل خان - نام کامل او چنین است - نظامی حرفه‌ای است. وی سی‌هشت سال دارد و اهل استان هرات است. وی پس از اتمام دوره آموزش نظامی در سال ۱۳۵۸ با درجه سروانی به فرماندهی یک گروهان از لشکر هرات گمارده شد. اسماعیل با انقلاب خصمانه برخورد کرد و به سرعت به دشمنان آن پیوست. او اینک شش سال است که علیه مردم می‌جنگد.

اسماعیل خان عضو یک حزب ضد انقلابی دیگر بنام "جمعیت اسلامی افغانستان" و سردسته همه باندهای آن در استان هرات است. برهان‌الدین ربانی، رهبر این سازمان وابسته به پاکستان، او را به "ریاست امارت هرات" منصوب کرده است. اسماعیل خشن و متعصب است و همواره چهل نفر بعنوان محافظ او را همراهی می‌کنند و در هیچ‌دهی بیش از یک شب نمی‌ماند. افراد او در جاده‌ها مین می‌گذرانند، پل‌ها را منفجر می‌کنند، به ادارات دولتی و پایتگاههای پاسداران انقلاب حمله می‌کنند و اعضای فعال حزب دمکراتیک خلق را تعقیب می‌نمایند.

معاون اداره "خاد" می‌گوید: "توران رسول بارها با این اشرار به نبرد پرداخته است. در جریان این نبردها، اسماعیل تلفات سختی متحمل شده می‌گویند او دیگر تحمل شنیدن اسم رسول را ندارد." رسول می‌افزاید: "اما ما هنوز نباید به خود مغرور شویم. تا وقتی اسماعیل خان به سر جای خود نشانده نشود، در این استان روی صلح را نخواهیم دید."

چندی پیش شایع شد که توران اسماعیل از ایران برگشته است. وی در آنجا در میان فراریان به بسیج نیروی تقویتی برای باندهای خود، خرید اسلحه و تلاش برای دریافت کمک مالی مشغول بود. با اینکه وضع اسماعیل وخیم شده، اما او در صدد به زمین گذاشتن اسلحه نیست.

توران رسول هم برای اولین بار به خارج سفر کرد. او بعنوان عضو هیات رسمی جمهوری دمکراتیک افغانستان در کنفرانس جهانی "برای صلح و زندگی، علیه جنگ هسته‌ای" در پراگ شرکت جست. هنگام بازگشت، از مسکو، لنینگراد و کیف دیدن کرد. او به من گفت: "من دنیای جدیدی را دیده‌ام و بهتر فهمیده‌ام که برای چه مبارزه می‌کنم. در این مبارزه، همه نیروی خود را بکار خواهم گرفت. اگر شهید شوم، بخاطر مردم پذیرای مرگ می‌گردم."

زمین بیدار می‌شود

درفروغ شعله‌ای که انقلاب نور بر افروخت

افغانستان به پیش می رود

۱- کشاورزی اصلاحات دمکراتیک ارضی و آبی؛
 سبلافاصله پی از پیروزی انقلاب، فرمان شماره ۸ شورای انقلابی آغاز اصلاحات ارضی را اعلام کرد.
 - در مرحله اول اصلاحات ارضی، ۶۶۵ هزار هکتار زمین در میان ۲۹۶ هزار خانوار دهقانی بی زمین و کم زمین تقسیم شد. این زمین‌ها به مفت هزار زمین دار بزرگ که هر کدام بیش از ۴۰ هکتار زمین داشتند، و ۲۸ هزار زمین دار دیگر که از ۶/۱ تا ۴۰ هکتار زمین صاحب بودند، تعلق داشت. علاوه بر این ۷۴ هزار هکتار زمین درجه سه و چهار به مالکیت دولت درآمد. در مجموع مرحله اول اصلاحات ارضی شامل ۷۲۹/۳ هزار هکتار زمین شد.

تا پایان سال ۱۳۶۲، علاوه بر زمین‌های تقسیم شده در مرحله اول، ۷۹۱/۴ هزار هکتار زمین درجه یک دیگر تقسیم گردید. در سال ۱۳۶۲، ۲۰ هزار خانوار دیگر زمین دریافت داشتند.

سوزارت جدید آبیاری در ۲۶ استان از ۲۹ استان افغانستان ادارات خود را ایجاد کرد. این ادارات وظایف خود را در مورد بهبود شبکه‌های موجود آبیاری، کاهش میزان به هدر رفتن آب و گسترش شبکه آبرسانی انجام می دهند.

در سال ۱۳۶۲، تولید کشاورزی در مقایسه با سال ۱۳۵۷، ۷/۸ درصد افزایش یافت.

۲- صنایع، معادن و سایر رشته‌های اقتصاد تولید صنعتی افغانستان در سال ۱۳۶۲، ۹/۱ درصد بیش از سال ۱۳۶۱ بود.

تولید گاز کشور ملی همین سال، ۴/۵ درصد افزایش یافت. تولید سیمان ۴۷ درصد، منسوجات پنبه‌ای ۶/۶ درصد، منسوجات پشمی ۲۲/۱ درصد و پخت نان ۲/۳ درصد اضافه شد.

طبق برنامه ۱۳۶۲، سهم بخش دولتی و تعاونی در تولید صنعتی از ۴۲/۴ درصد در سال ۱۳۶۲ به ۴۵/۸ درصد افزایش یافت. سهم صنایع سنتین دولتی در کل تولید صنعتی سنتین از ۷۷/۱ درصد در سال ۱۳۶۲ به ۷۹/۳ درصد در سال ۱۳۶۲ رسید.

سیرنامه ۱۳۶۲، افزایش استخراج گاز به میزان ۷۶/۵ درصد را پیش بینی نمود.
 - تولید مس در سال ۱۳۶۲ در قیاس با سال ۱۳۶۱ دو برابر شد.

۳- پیشرفت اجتماعی
 - حق آموزش برای همه در قوانین جمهوری دمکراتیک افغانستان قید گردیده و دولت موظف به تامین امکانات برای آن شد.

مس از انقلاب، ۸۰۰ مدرسه جدید در سطوح مختلف ایجاد شد.

شمار دانش آموزان در سال ۱۳۶۲ به بیش از ۴۵۲ هزار نفر رسید که ۱۱ درصد نسبت به سال قبل افزایش یافته است.

- در سال ۱۳۶۲، ده مرکز درمانی و چهار کلینیک مادر و کودک جدید تنها در کابل گشایش یافت. در مجموع ۶۲۰ هزار کودک تحت پوشش مراکز درمانی قرار گرفتند. این رقم نسبت به سال قبل ۱۹ درصد افزایش داشت.

۴- بهبود سطح زندگی
 - در آغاز سال ۱۳۶۰، حقوق و دستمزد همه کارگران و کارکنان بخش دولتی ۶۲/۶ درصد افزایش یافت.

در بهار سال ۱۳۶۲، بر حقوق و دستمزدها یک بار دیگر، این بار به میزان ۱۸ درصد اضافه شد. برای سطوح پایین دستمزدها رقم افزایش به ۳۴ درصد رسید.

۵- تحیات سیاسی اجتماعی
 - شمار سازمان های محلی جبهه ملی پدروطن از ۴۰۸ در آغاز سال ۱۳۶۲ به ۶۰۰ سازمان در پایان سال ۱۳۶۲ رسید.

در پایان سال ۱۳۶۲، سندیکاهای افغانستان حدود ۲۰۰ هزار عضو شامل می شدند.
 در تظاهرات گسترده علیه مداخله آمریکا در امور افغانستان بیش از ۲۰ هزار تن از مردم کابل شرکت کردند.

- ۶۰ روحانی از سراسر افغانستان طی یک گردهمایی در سال گذشته در کابل پشتیبانی خود را از انقلاب اعلام داشتند.

شهیدان قهرمان

شعری از:

عبدالرزاق "صاعد" شاعر افغانی

آنروز آن شهید

یک لحظه پیش ز آنکه فتنه روی خاک و خون

می خواند این سرود:

بیکار ما به خاطر ایجاد زندگیست

ایجاد زندگی نوین بهره برده‌ها

بهر نجات خلقی که دیر سالها

در زیر بار منبت ارباب اقتدار

در این شکنجه گاه

این نظم وحشیانه مطرود دوزخی

در قید بندگیست.

* * *

بیکار ما به ضد دسته جلا د اجتماع

غولان ارتجاع

این دشمنان عظمت و خوشبختی وطن

این خیل اهرمن

بیکار بر حق است.

امروز آن شهید

از گور پر صلابت جاوید خویشتن

آواز میدهد:

ای خلق پاکباز!

دشمن زرتکی وحیله گر است و بهانه ساز

دیتر مکن درتک

بر برای دار پرچم خونین رستخیز

بس ترس بس هراس

بر این نظام کهنه امریمنی بتاز

رزمندگان معرکه گردان پرتوان!

* * *

بادی. برای تازه کردن سوگند مهری

با من به یک زبان

خوانید این سرود:

باد از مادارود

پرشور جاودان

بر روح پر فروغ شهیدان قهرمان

من در جلسه، مذاکرات را دنبال کرده و به مسئله ای که در وهله اول توجه میزبانان و میهمانان را به خود جلب می کند، پی می برم. اصلاحات ارضی باید در محل با بیشترین بازده و تناسب انجام گیرد. باید از فرمالیسم (شکل گرایی) اجتناب کرد. وقتی امنیت پایدار برای زراعت ایجاد شده ممکن است در پاییز مالک قبلی بایک باند بیاید و محصول را از دهقانان بگیرد و حتی آنان را بکشد. چنین چیزی در روستاهای هرات اتفاق افتاده است.

یک نمونه دیگر از سهل انگاری، بخشدار گزارش میدهد که زمینهای فئودال بین خانوارهای دهقانی تقسیم شده است و هیچکس طبق قانون بیش از شش هکتار دریافت نکرده است. اما در پاییز معلوم میشود که تقریباً کل محصول را مالک قبلی انبار کرده، زیرا زمینها بین اقوام دور و نزدیک اوتقسیم شده بود.

بقیه در صفحه ۱۳

بودند و نزد کشاورزان بزرگ و خانها کار می کردند. صاحبان زمینهای کوچک هم وضعشان بهتر نبود. پدر، کود و دام کم بود. برای اینکه این چیزها را بگیرند، دهقانان مجبور بودند از زمیندارهای بزرگ وام بگیرند، وامی که بعد از باز پرداختش عاجز می شدند.

انقلاب به محرومیت و گرسنگی دهقانان پایان داد. املاک فئودالها بین دهقانان بی زمین و کوچ تشینها تقسیم و قروض میلیونها خانوار دهقانی نزد نزول خواران ملغی شد. دولت هر سال بر کمک خود به دهقانان می افزاید و می گوشت مسائل آنان را بدون همه جاتند حل کند.

مسلم است که برای حل مشکلات، صدور فرمان درباره زمین و آب کفایت نمی کند. مسئله آن است که این دشواریها باید با دقت، بطور سیستماتیک و برنامه ریزی شده حل شود.

اصلاحات ارضی و آبی در استان هرات وارد سومین روز خود شده است. نماینده کمیته مرکزی حزب در منطقه شمال غربی (شامل استانهای هرات، بادغیس و غور)، فرماندار هرات و مسئولین ادارات کشاورزی و احیای ارضی استان به گروه درباره فعالیت‌های خود گزارش می دهند. من هم اجازه می یابم در این ملاقات شرکت کنم.

هرات در مجاورت ایران واقع شده و بایک میلیون جمعیت، از بزرگترین استان‌های کشور است. این استان از ۱۲ بخش، سه ناحیه و ۱۶۰۵ روستای بزرگ و کوچک تشکیل شده است. در شهر هرات، یک کارخانه نساجی، یک فرش بافی، چند کارگاه، یک کارخانه سیمان و یک نیروگاه وجود دارد. اما استان هرات دریایی از واحدهای کشاورزی است.

پیش از انقلاب، یک سوم دهقانان بی زمین

رساترباد فریاد اعتراض جهانی

علیه ترور و اختناق، علیه شکنجه و اعدام در ایران

پشتیبانی از مبارزات کارگران ایران

مبارزات کارگران ایران در راه کسب حقوق سیاسی و صنفی و بر ضد سیاستهای ارتجاعی و ضد مردمی رژیم حاکم بر ایران موج همبستگی بین المللی کارگران و نیروهای مترقی را به دنبال داشته است. سازمانها، سندیکاها و اتحادیه های متعددی کماکان از کارگران و کارکنان دبیر مجتمع ذوب آهن اصفهان اعلام حمایت کرده و نسبت به نتایج این اعتصاب و سرنوشت دستبردگان پی جویی می نمایند. از جمله آنها کمیته برگزاری جشن اول ماه مه در کانادا است که طی نامه ای به فعالین فدائی در این کشور، آخرین اطلاعات در مورد وضعیت کارگران و سرنوشت کارگران زندانی را درخواست کرده است.

کمیته برگزاری جشن اول ماه مه در کانادا درخواست نامه ای برای پانزده سازمان و اتحادیه کارگری کانادا ارسال داشته و در آن هاضم ارائه اطلاعاتی در مورد اعتصاب ذوب آهن اصفهان از آن ها تقاضای کمک و پشتیبانی از کارگران ایران را نموده است در بخشی از این درخواست نامه آمده است:

"... ما اطلاعات ضمیمه را به سازمانهای مختلف کارگری و انسان دوست می فرستیم به امید اینکه مردم کانادا به کمک کارگران ایران بشتابند. در ضمن راههایی که می توان در کانادا به این امر کمک کرد در بولتن اطلاعاتی آمده است.

لطفاً یک نسخه از پیام اعتراضی خود را برای ما بفرستید. بدین وسیله ما مطمئن خواهیم شد که دولت ایران نمی تواند بسادگی از اینگونه مسائل بگذرد".

کمیته برگزاری جشن اول ماه مه نامه های اعتراضی متعددی نیز برای مقامات رژیم ایران منجمله خمینی، رفسنجانی و وزیر دادگستری ارسال داشته است در بخشی از یکی از این نامه ها آمده است:

"... آگاه باشید که چشم های طبقه کارگر جهانی مواظب دولت شماس و اجازه نخواهد داد که دولت شما و با هر دولت دیگری، برادران و خواهران کارگر ما را مورد سرکوب قرار دهد."

ایران از انزجار جهانی از

کشتار انقلابیون فدایی

* روزنامه ریزو سیاستس ارکان حزب کمونیست یونان در شماره ۹ مارس خود خبر به شهادت رساندن رفیق قربانعلی موذنی پور را اعلام داشته است. نشریه پس از ذکر شکنجه های اعمال شده در شکنجه گاه های جمهوری اسلامی به سوابق انقلابی رفیق موذنی پور در دوران رژیم شاه اشاره کرده است. ارکان حزب کمونیست یونان سپس به نقل بخشی از اعلامیه کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثريت) در مورد شهادت رفیق موذنی پور عضو مشاور کمیته مرکزی سازمان پرداخته و نوشته است:

قتل ناجوانمردانه موذنی پور نشان ناتوانی رژیم ارتجاعی خمینی است. پایه های لرزان حکومت

او نمی تواند با ترور و وحشت، دستگیری، شکنجه، اعدام ها و قتلها استوار بمانند. تاریخ و تجربه گذشته رژیم خوانخواش این را ثابت کرده است.

* روزنامه فورورس ارکان حزب کارسوییس در شماره ۲۱ مارس خود مقاله ای تحت عنوان "قربانعلی موذنی پور، یک مبارز ضد دیکتاتوری مشهور ایرانی، توسط دستگاه پلیس جمهوری اسلامی به قتل رسیده است." به چاپ رسانده است. در این مقاله ابتدا به سوابق انقلابی رفیق قربانعلی موذنی پور در زمان رژیم شاه ذکر شده و آمده است:

"پس از دستگیری در سال ۱۹۷۵ وی در زندان اوین توسط ساواک شاه به شدت شکنجه گردید. ساواک برای درهم شکستن مقاومت او، وی را یک سال تمام در سلول انفرادی زندانی نمود. وی در اولین دور محاکمات به یک بار اعدام و ۱۵ سال زندان و در دور دوم به حبس ابد محکوم گردید. در زندان قصر تهران وی به عنوان یکی از سازمان دهندگان حرکات اعتراضی و از جمله اعتصاب غذای بزرگ سال ۱۹۷۸ بود."

ارکان حزب کارسوییس، سپس به فعالیت انقلابی و سازمان گرانه رفیق بعد از انقلاب بهمین پرداخته است و در زمینه تلاش رژیم برای دستگیری وی می نویسد:

"پلیس سیاسی برای دست یافتن به وی، فعالین زندانی فدایی در شیراز، اصفهان و محل تولد وی سمنان را تحت فشار قرار داده و همسر و سه فرزند کوچک او را به عنوان گروگان زندانی نموده بود."

این نشریه در ادامه مقاله خود می نویسد:

"مدتی پیش تر مشخص شد که مرتضی میثمی، دبیر کمیته مرکزی سازمان جوانان فدایی خلق ایران (اکثريت) و منصور پور جم عضو کمیته ایالتی خوزستان پس از دستگیری زیر شکنجه در زندان اوین تهران به قتل رسیده اند."

نشریه فورورس با نقل بخشی از اطلاعیه مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثريت) به مناسبت شهادت رفیق موذنی پور مقاله خود را به پایان می رساند.

* روزنامه تربیون ارکان حزب کمونیست کانادا در شماره اول آوریل خود با درج خبر به شهادت رساندن رفیق قربانعلی موذنی پور عضو مشاور کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثريت) خواهان اعتراض وسیع نسبت به جنایات رژیم خمینی شده است. این روزنامه می نویسد: "شهادت موذنی پور بار دیگر ضرورت اعتراض تمام کانادایی ها را بر علیه ادامه کشتار و اختناق در ایران ثابت کرد."

افشای جنایات رژیم های

ایران و عراق در کانادا

به دعوت دانشجویان مسلمان دانشگاه تورنتو (که اکثر اعضایش غیر ایرانی هستند) در روز ۲۲ مارس جلسه مناظره ای بین رجایی خراسانی سفیر

جمهوری اسلامی در سازمان ملل و نماینده دولت عراق تدارک دیده شد. زمان این جلسه مناظره مقارن با روزهای سیاهی بود که ظرفین با حملات پی در پی به مناطق مسکونی و کشتار هزاران نفر از اهالی بی دفاع این شهرها ابعاد جدیدی از سبیت را به نمایش گذاشته بودند. مناظره بنا بود در محل دانشگاه تورنتو انجام شود.

دانشجویان مبارز ایرانی که از این برنامه اطلاع یافته بودند قبل از آغاز برنامه در محل اجتماع گردند. مجریان برنامه با دیدن این جمع کثیر دانشجویان و چهره های خشم آگین آنها اعلام داشتند که به علت عدم شرکت نماینده عراق مناظره برگزار نخواهد شد.

دانشجویان مبارز ایرانی که از هواداران سازمان های مختلف سیاسی مترقی ایرانی از جمله سازمان فدائیان خلق ایران (اکثريت) و حزب توده ایران بودند، متحدان در حالی که تعداد زیادی پلاکاردها حمل می کردند به تظاهرات برضد جنگ و بمباران مناطق مسکونی پرداختند. این تظاهرات که با حضور خبرنگاران تلویزیون و روزنامه های معتبر کانادا انجام می شد. به مدت دو ساعت ادامه داشت.

در پایان تظاهرات دانشجویان ایرانی، که تقریباً کلیه نیروهای چپ در آن شرکت داشتند، قلم نامه ای در محکوم ساختن تداوم جنگ و بمباران شهرها خوانده شد.

بخاطر صلح جهانی و صلح در منطقه

راهپیمایی صلح "اوستر" در روز ششم مارس در سراسر آلمان فدرال برگزار گردید. این راهپیمایی در منطقه رور از شهر دویسبورگ آغاز گشت. راهپیمایی که جمعا ۳ روز به طول انجامید در شهر دورتموند خاتمه یافت در این شهر نزدیک به ۵۰ هزار نفر اجتماع کردند.

فدائیان خلق و توده ایها که در راهپیمایی شرکت داشتند با خود پلاکاردهایی مبنی بر قطع جنگ ایران و عراق، تهدید شدن صلح جهانی به خاطر تداوم این جنگ، آزادی زندانیان سیاسی در ایران و شعارهای دیگری در محکومیت رژیم جمهوری اسلامی با خود حمل می کردند. در شهر دورتموند در محل اجتماع راهپیمایان صلح، میز کتاب و فروش نشریات برپا شد و اعلامیه مشترکی که از طرف سازمان حزب توده ایران و فداییان خلق (اکثريت) - آلمان فدرال به مناسبت راهپیمایی صلح "اوستر" منتشر شده بود وسیعاً توزیع گشت.

کتابی که در آن، مصاحبه رفیق رقیه دانشگری، عضو کمیته مرکزی سازمان با مجله راه و هدف ارکان تئوریک حزب کمونیست اتریش و نیز ترجمه مقاله ای از "کار" پیرامون نقش آمریکا در جنگ خلیج فارس و مقالات مربوط به اعتصاب کارگران ذوب آهن اصفهان به نقل از "عصر ما" ارکان حزب کمونیست آلمان درج شده بود، مورد توجه شرکت کنندگان در راهپیمایی صلح قرار گرفت. رفیق هربرت میس صدر حزب کمونیست آلمان که سخنران این اجتماع پنجاه هزار نفری مردم در دورتموند بود، پس از پایان مراسم از میز مشترک فدائیان خلق و توده ایها بازدید بعمل آورد و با زدیتر بر همبستگی خود با حزب توده ایران و سازمان فداییان خلق ایران (اکثريت) تاکید نمود.

همبستگی جهانی با زنان ایران در روز ۸ مارس

بقیه از صفحه اول

السالودور" برگزار کردند. این برنامه شامل سخنرانی، موسیقی و آواز و نمایش اسلاید از وضعیت زنان ایران و السالودور بود از سوی اعضای "سازمان زنان پیشرو السالودور" و فعالین فدایی در لس آنجلس توضیحاتی در مورد وضعیت زنان در دو کشور داده شد. وضعیت زنان ایران و سیاستهای جمهوری اسلامی در پایداری ساختن حقوق زنان، محصور ساختن آنان در چهار دیواری خانه و آشپزخانه، قائل بودن تنها نیمی از شعور، شخصیت و اعتبار انسانی برای آنان و مبارزات زنان ایران بر ضد این بیدادگری ها تشریح گردید؛ گروه موسیقی شرکت کننده در برنامه که نام "سفید سرخ" رتبههای پرچم جبهه رهایی بخش فارابوندومارتی را بر خود داشت به اجرای ترانه های انقلابی پرداخت و یک آهنگ خود را که جهت تقدیم به سازمان فداییان خلق ایران ساخته بود در این روز ارائه نمود.

مراسم این جشن توسط پرتیراژترین روزنامه اسپانیایی زبان لوس آنجلس و همچنین دیگر مطبوعات و رادیوهای مترقی انعکاس یافت.

همزمان با این مراسم خبرنگار اکثرت بایکی از کادراهی "سازمان زنان پیشرو السالودور" مصاحبه کرد. او در بخشی از این مصاحبه از جانب زنان پیشرو السالودور خطاب به زنان ایرانی چنین گفت:

"لازم است تاکید کنم که اکنون بیش از هر زمان دیگر، احتیاج به همبستگی و همفکری بایکدیگر داریم. بخوبی می دانیم که بین ما و شما عوامل مشترک بسیاری وجود دارد، عواملی که مبارزه ما را به هم پیوند می دهد. احساس ما اینست که مبارزات شما علیه رژیم جمهوری اسلامی برای کسب حقوقتان به عنوان یک زن و نیز برای دست یابی به استقلال، برابری و عدالت اجتماعی بخشی از مبارزه ماست. ما به شما به خاطر فعالیت هایتان در آن شرایط سخت و مبارزه ماندگارتان با ما درود می فرستیم"

هندوستان

روز شنبه ۲۰ مارس فدراسیون ملی زنان هند میهنیتی در دهلی نو برای اعلام همبستگی با زنان ایران برگزار نمود. در این میهنیت ابتدا نماینده تشکیلات دمکراتیک زنان ایران در هندوستان به تشریح مبارزات زنان ایران و سیاستهای ارتجاعی رژیم پرداخت. سپس خانم ویلا فاروقی دبیر کل فدراسیون ملی زنان هندوستانی در زمینه نقش زنان ایران در مبارزه بر علیه رژیم شاه ابراز داشت و سیاستهای جمهوری اسلامی را در پایداری ساختن حقوق زنان ایران تشریح نمود.

خانم گیتا مکربی عضو شورای ملی حزب کمونیست هند و نماینده پارلمان هند نیز ضمن سخنان خود برای زنان ایران در مبارزاتشان آرزوی پیروزی نمود و اظهار داشت این میهنیت باید آغازگر اقدامات گسترده تر و سرپیم تر کلیه نیروهای مترقی و دمکرات هند باشد و خود نیز متقبل شد با بردن حقایق مربوط به زنان ایران به پارلمان هند، سایر نمایندگان را از ستمی که بر مردم ایران بویژه زنان

بر اثر خودکامگی، واپسگرایی و خیانتهای رهبران رژیم جمهوری اسلامی رومی گردد، آگاه نماید. سپس میهنیت دو قطعنامه در رابطه با وضعیت زنان ایران و جنگ ایران و عراق صادر نمود بخشهایی از قطعنامه ها به قرار زیر است:

" این میهنیت همبستگی خود را با زنان ایران اعلام می دارد و موج دستگیری، شکنجه و زیر پا گذاشتن ابتدائی ترین حقوق انسانی مردان، زنان و کودکان در ایران را محکوم می کند این اعمال نقض اصول حقوق بشر است و ما رژیم ایران را مسئول سرنوشت هزاران زن مرفقی و ضد امپریالیست که در زندانها داشته شده اند می دانیم ..."

در قطعنامه دیگر میهنیت فدراسیون ملی زنان هند آمده است:

" ما از ادامه جنگ بین ایران و عراق نگران و مضطرب هستیم. این جنگ خانمانسوز و ویرانگر تاکنون سیصد هزار کشته، یک میلیون و نیم معلول و سه میلیون آواره به جای گذاشته است. ما بمبارانهای مناقص مسکونی را محکوم می کنیم و از هر دو کشور می خواهیم که بلافاصله به گفتار خاتمه دهند ..."

کانادا

همانگونه که در شماره گذشته خبر داده بودیم رفیق آنجلاد پویس عضو کمیته مرکزی حزب کمونیست آمریکا و یکی از برجسته ترین رهبران جنبش جهانی زنان در مراسم ۸ مارس در کانادا شرکت کرد. او در



پایان سخنرانی خود در اجتماع این روز، به سوالاتی چند پاسخ گفت. او در پاسخ به یکی از سوالات راجع به وضعیت انقلاب و زنان ایران چنین اظهار داشت: "انقلاب ایران نه تنها برای مردم ایران بلکه برای همه جهان لحظه سعادت باری بود. ولی اکنون وضعیت بگونه ای دیگر است. رژیم جمهوری اسلامی ایران، زنان را تحت فشار قرار می دهد، کمونیستها را دستگیر و زندانی می کند... اما انقلاب ایران باید ادامه یابد و ما از این مبارزه پشتیبانی می کنیم."

بریتانیا

به مناسبت روز جهانی زن، در روز نهم مارس تجمعی عظیم از طرف جنبش زنان علیه بسته شدن معادن ترتیب داده شد. ۱۰ هزار زن و مرد در استادیوم شهر

چستر فیلد گرد آمدند تا حمایت خویش را از زنان معدنی اعلام دارند. سازمانهای متعددی از سراسر بریتانیا در این گردهمایی شرکت داشتند. سخنرانیهایی متعددی در طول مراسم انجام یافت. سخنرانانی از "جنبش زنان علیه بسته شدن معادل"، "جنبش خلع سلاح هسته ای"، "کنتره ملی آفریقای جنوبی" و همچنین آرتور اسکارگیل رهبر اتحادیه سراسری کارگران معدنی بریتانیا سخن گفتند.

آرتو اسکارگیل در بخشی از سخنان خود گفت: "عده ای می گویند دستاوردهای این اعتصاب طولانی چه بوده است؟ من می گویم چشمهای خود را باز کنید ببینید چند نفر اینجا جمع شده اند. این خود یکی از دستاوردهای عظیم این اعتصاب است... شما زنان شکل مبارزه سیاسی کشور را عوض کردید. شما همه یاد دادید که چگونه باید مبارزه کرد ما این جنبش را پیش خواهیم برد. ما نه فقط معادن را حفظ خواهیم کرد بلکه جامعه را بسوی پیش می بریم که در آن استعمار انسان از انسان جایی نداشته باشد"

پس از پایان گردهمایی خبرنگاران اکثرت با تنی چند از شخصیتهای جنبش زنان بریتانیا مصاحبه نمودند

خانم "بتی هیت فیلد" رهبر جنبش زنان علیه بسته شدن معادن در بخشی از مصاحبه می گوید: "... در کشور شما وضعیت زنان و واقعا رفت بار است. مبارزه زنان معدنی به ما ثابت کرد که با

تشکل و بالا بردن سطح آگاهی مان قادر به رودر رویی با مشکلات خواهیم بود و مطمئنا زنان ایران نیز با تشکل و مبارزه مداوم به خواستهای خود خواهند رسید. من به عنوان نماینده جنبش زنان علیه بسته شدن معادن به خواهران ایرانی برای مبارزات پیگیرشان درود می فرستم و بدانید که ما در اینجا از هیچ گونه کمکی برای بهبود وضعیتشان دریغ نخواهیم کرد"

خانم "جون رادک" صدر اول جنبش خلع سلاح هسته ای در پاسخ به سوال خبرنگار "اکثرت" در مورد چگونگی و نقش زنان ایران در پایان بخشیدن به جنگ ایران و عراق می گوید:

"... شاید یکی از بهترین انواع این مبارزه همانطور که از اخبار رسیده حاکی است، مبارزه زنان برای جلوگیری از فرستادن فرزندان ایشان به جبهه های جنگ می باشد..."

خانم "براندوین" صدر اول اتحادیه کارگران چاب که انتخاب وی به این سمت خود برای جنبش زنان یک پیروزی محسوب می شود ضمن مصاحبه خویش با خبرنگار "اکثرت" پیامی نیز برای زنان ایران فرستاد که بخشی از آن چنین است:

"... این خیلی ساده است که افراد به چیزی اعتقاد داشته باشند. اما خیلی شجاعت می خواهد که کسی جان خودش را برای اعتقادش از دست بدهد. ما به چنین شجاعتی احترام می گذاریم... موضوع قابل توجه این است که زنان ایران در سخت ترین شرایط مبارزه می کنند اما بهیچوجه پاپس نمی کنند. حتی زمانی که رژیم آنها را شکنجه می کند، به آنها تجاوز می کند، آنها را به زندان می اندازد، آنها به مبارزه خویش ادامه می دهند. این برای ما در غرب شجاعت بی شماری محسوب می شود.

ما تاکنون از طریق سازمان شما در جریان وضعیت زنان ایران قرار گرفته ایم، ما امیدواریم سازمان شما مرتباً اخبار ایران را به دست کارگران بریتانیا برساند"

مصاحبه "اکثريت" با یکی از اعضای دفتر سیاسی "جبهه خلق برای آزادی عمان" برای پیروزی بر امپریالیسم و ارتجاع باید همه اشکال مبارزه را به کار گرفت

در تاریخ ۱۲ فروردین نیروهای نظامی آمریکا و عمان دست به مانور مشترکی زدند. این مانور به منظور ارزیابی میزان آمادگی این نیروها برای سلطه مجدد بر شهر و منطقه ای صورت گرفت که توسط مردم در یک حرکت انقلابی آزاد می‌شود.

انجام این مانور نه تنها افشاکر طرحهای مفسده جویانه و آشوبگرانه آمریکا برای کل منطقه است بلکه در عین حال و بویژه نشانگر هراس بسیار مقامات آمریکایی از آینده تحولات در کشور پادشاهی عمان است.

امپریالیستها اگر چه در دهه ۷۰ با کسپل ارتش ایران به عمان و کشتار جمعی مردم ظفار (منطقه جنوبی عمان) توانستند ضرباتی بر جنبش انقلابی این کشور وارد نمایند، ولی همچنان نگران بی‌ثباتی حکومت به غایت ارتجاعی قابوس هستند. اکنون بقا این حکومت به حمایت و حضور مستقیم نیروهای نظامی آمریکایی مشروط شده است. نیروهای نظامی آمریکایی در پایگاههای متعددی در خاک عمان مستقر شده اند تا علاوه بر اینکه از این سرزمین در جهت اهداف نظامی تجاوزکارانه خود بهره‌می‌گیرند قابوس را از لیبیب خشم مردم محافظت نمایند.

قابوس در همان بدو حکومت برای استقرار بر تخت سلطنت به حمایت مستقیم نظامی نیروهای ارتجاعی خارجی متکی گردیده بود. در آن زمان ایالت

ظفار در جنوب عمان به دژ مستحکم جنبش انقلابی مردم این کشور بدل شده بود. شاه به دستور آمریکا نیروهای نظامی خود را روانه این کشور کرد تا دریای خون بپا کنند و کردند. برای همه مردم میهن‌ها، ظفار نامی آشناست. ظفار سرزمینی است که در آن سفاکی، تجاوزگری، مداخله جویی و سرسپردگی شاه آمریکایی به تمامی به نمایش گذاشته شد.

سازمان مادر آن سالها در همان بدو تجاوز شاه به عمان این عمل بربر منشانه را محکوم کرد و به همه اشکال ممکن به پشتیبانی از مبارزات مردم ظفار و همه مردم عمان برخاست. از آن سال‌ها پیوند مستحکم میان رزمندگان فدایی و رزمندگان راه رهایی عمان برقرار گردید، پیوندی که روز به روز استوارتر شد. امروز تپلی این پیوند مناسبات برادرانه عمیقی است که میان سازمان فدائیان خلق ایران (اکثريت) و جبهه خلق برای آزادی عمان وجود دارد. این مناسبات بر آرمان‌های انقلابی مشترک و رزم مشترک علیه ارتجاع منطقه استوار است.

بر زمینه چنین مناسباتی، رفیقای از اعضای دفتر سیاسی جبهه خلق برای آزادی عمان با خبرنگار اکثريت به گفتگو نشست و پیرامون تحولات اخیر در عمان و سیر فراز و نشیب ایدئولوژیک - سیاسی جبهه توضیحاتی داد. توجه شما را به متن مصاحبه جلب می‌کنیم.

س: جبهه خلق برای آزادی عمان پس از ضربات

سال ۱۹۷۲ و عقب نشینی‌های بعدی، به کار سیاسی گسترده در بین خلق عمان پرداخته است. طی این سالها چه تغییراتی از نظر ایدئولوژیک، سیاسی و تشکیلاتی در جبهه رخ داده. رهوس برنامه سیاسی فعلی جبهه چیست؟

ج: سئوالاتی که شما مطرح می‌کنید در کتوره سوم جبهه خلق برای آزادی عمان که در سال ۱۹۸۲ برگزار گردید، مفصلاً مورد بررسی قرار گرفته است. مسئله اساسی در کتوره این بود که آیا جبهه به همان وضعی که بود باید باقی بماند و یا باید آنرا تکامل داد و تغییرات جدی در برنامه سیاسی آن بوجود آورد؟ کتوره در نظر داشت راه و روش سیاسی جبهه را به دقت مشخص سازد. پیش نویس یک برنامه جدید سیاسی تهیه شده بود که در اختیار شرکت کنندگان قرار گرفت. در این برنامه مسئله دوستان و دشمنان ما در عرصه بین‌المللی بطور دقیق مورد بررسی قرار گرفته بود. این بررسی با توجه به خصوصیات عصر حاضر، عصر پیروزی سوسیالیسم و عقب نشینی سرمایه‌داری و همچنین وجود اردوگاه مستحکم سوسیالیسم و نقش آن در انقلاب جهانی و نیز نقش بزرگی که اتحاد شوروی در این اردوگاه بعدی دارد و قاطعانه از صلح جهانی دفاع می‌کند و پشتیبان واقعی جنبشهای آزادی‌بخش و حرکات ملی در تمام جهان است، صورت گرفت. و مرزبندی دوستان و دشمنان ما با فرمول زیر ارائه شد: دوستان ما در عرصه جهانی عبارتند از کشورهای سوسیالیستی و در رأس آنها اتحاد شوروی، کارگران کشورهای سرمایه‌داری، جنبشهای آزادی‌بخش در جهان و ملل رهایی یافته از چنگ امپریالیسم.

در این برنامه ما به مسئله دوستانمان در جهان عرب نیز جداگانه پرداختیم. کشورهای ملی، پیشرو و ضد امپریالیست عرب شامل یمن دموکراتیک، جمهوری سوسیالیستی سوریه، جمهوری خلق الجزایر، جمهوری سوسیالیستی لیبی و هم چنین احزاب

کمونیستی و کارگری عرب و جنبش آزادی‌بخش ملی عرب شامل سازمان‌ها و احزاب ملی و پیشرو اردوستان خود نامیدیم.

به این ترتیب دشمنی مانیز با امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا و کشورهای مرتجع منطقه و مخالفت جدی ما با طرحهای آمریکایی برای حل مسائل منطقه از جمله مصوبات کمپ دیوید و تلاش آمریکا برای پوشش جهان عرب زیر یک چتر آمریکایی، ایجاد پایگاههای متعدد در منطقه، حمایت روز افزون از اسرائیل تجاوزگر و تلاش برای بازگرداندن اوضاع به دوران ماقبل استقلال، تصریح می‌شود.

مساله دومی که در برنامه سیاسی ما مطرح بود و کتوره به آن پرداخت مساله شیوه‌ها و اشکال مبارزه و موضع ما در این مورد بود. جبهه در سابق به اشکال مختلف مبارزه دست زد ولی اشکالی از مبارزه را مطلق نمود. آن را از پیش تعیین نموده در برنامه سیاسی خود قرار داد. ما به تجربه به این نتیجه رسیدیم که در این کنار اشتباه کرده ایم. ما به تجربه ی خود و با دستیابی به تجربیات جهانی به این نتیجه رسیدیم که همه اشکال مبارزه را با توجه به شرایط عینی و ذهنی و امکانات موجود باید شروع دانست. و به موقع از آن‌ها استفاده نمود. تجربه قبلی ما نشان می‌داد که تعیین شیوه مسلحانه مبارزه بعنوان تنها روش اساسی، با سنگینی راه هم به ما و هم به جنبش انقلابی‌مان تخمیل کرد. اگر ما این روش را مطلق نمی‌کردیم چه بسا ضرباتی در آن سطح نیز متحمل نمی‌شدیم.

ما بر این اصل تاکید کردیم که در نهایت امر بدون توسل به قهر نمی‌توان استعمار را از عمان بیرون راند. ولی باید در شرایط آماده چه از نظر عینی و چه از نظر ذهنی و روانشناسی توده‌ای بدان دست یازید. این نظرات در برنامه سیاسی ما وارد شد و به عنوان مبانی تعیین شیوه مبارزه شناخته شد مساله سوم بطور مختصر کتوره عبارت بود از ارتقا جبهه خلق برای آزادی

عمان تا حد یک حزب طراز نوین طبقه کارگر و در عین حال ایجاد یک جبهه ملی و وسیع. ماسی می‌کنیم با تار ایدئولوژیک و سیاسی مداوم در داخل جبهه و برقراری موازین زندگی حزبی در داخل آن، جبهه را در راستای ایجاد یک حزب واقعی ارتقا دهیم و در عین حال با پیش بینی همکاری گسترده با جریانات، محافل و شخصیت‌های منی در آینده (این نیروها فعلاً فعالیت چشم گیری از خود نشان نمی‌دهند)، مقدمات یک جبهه وسیع ملی را فراهم نماییم. اینها مسائل اساسی است که در کتوره ما مورد بحث قرار گرفت و در برنامه سیاسی ما تغییرات قابل توجه پدید آورد.

س: مناسبات دوستانه و سیاسی شما با متحدین جهانی و منطقه ای‌تان چگونه پیش می‌رود؟

ج: جبهه خلق برای آزادی عمان مناسبات خوبی با کشورهای اردوگاه سوسیالیستی بویژه با اتحاد شوروی، جمهوری کوبا و ویتنام سوسیالیستی دارد. ملاقات دبیر کل جبهه خلق برای آزادی عمان رفیق عبدالعزیز عبدالرحمن القاضی با دبیر کل حزب کمونیست ویتنام رفیق له دوان و ملاقات‌های متعددی با رهبران کوبا، مناسبات مستحکم را بین ما بوجود آورده است. ما با کشورهای ملی و مترقی جهان عرب نیز روابط بسیار حسنه داریم. دفتر مرکزی جبهه در عدن واقع است. مادر دمشق نیز دفتر سیاسی داریم. روابط ما با احزاب کمونیست و احزاب ملی و دموکراتیک در منطقه نیز بسیار دوستانه است.

ما طبق برنامه سیاسی‌مان از دولت دموکراتیک افغانستان پشتیبانی می‌کنیم. کمکهای بی‌دریغ حزب لنین و دولت اتحاد جماهیر شوروی را به مردم افغانستان پاس می‌نهیم و توطئه‌های امپریالیستی و ارتجاعی علیه این دولت مترقی را محکوم می‌کنیم.

س: اوضاع سیاسی در عمان چگونه است؟ مبارزات جبهه چگونه پیش می‌رود؟

ج: از زمان بر سر کار آمدن رژیم قابوس در ۱۹۷۰، یک برنامه اصلاحی و رفهرمیستی در دستور کار رژیم قرار گرفت. این برنامه یکی از اهدافش نابود کردن انقلاب از طریق انجام رفهرم و فریب مردم با پاسخ سطحی به بعضی از خواستهها بود. یک شبکه راه سراسری در عمان ایجاد شد که البته نقش جدی در اقتصاد و حیات اجتماعی عمان داشت مدارس متعددی ایجاد شده چنانکه میدانید سابقا در عمان به غیر از مدارس مخصوصی که جبهه خلق برای آزادی عمان دایر کرده بود، تنها دو مدرسه ابتدایی وجود داشت. یکی دیگر از اهداف رفهرم باز کردن درهای کشور بروی بیگانگان و بویژه امپریالیسم آمریکا چه نظر از اقتصادی و چه از نظر سیاسی بود. در پی این اقدامات جزیره استراتژیک مصیره جهت ایجاد پایگاه نظامی در اختیار آمریکا قرار گرفت که با جزیره دیگو گارسیا و فیلیپین یک مثلث تشکیل داد. و بالاخره همچنانکه آگاه هستید قرارداد ۱۹۸۰ با آمریکا تنظیم شد که مطابق آن آمریکا اجازه یافت از تمام بنادرو فرودگاهها و تاسیسات نظامی عمان استفاده نماید.

در پی امتیازات فوق آمریکا از پایگاه مصیره، شریعت (که توسط رژیم شاه بنا شده بود) و پایگاه دریایی خصم در دهانه تنگه هرمز و همچنین از جزیره ام القلم (در این جزیره پایگاه استراق سنج علیه اتحاد شوروی که سابقا در شمال ایران بود نصب گردیده) استفاده می کند. وجود این پایگاهها در اراضی کشور عمان نه تنها خطری برای خلق عمان است بلکه همه کشورهای منطقه و حتی افغانستان و اتحاد شوروی را نیز تهدید می کند. جبهه خلق برای آزادی عمان مبارزات خود را برای برچیدن این پایگاهها پیش می برد و این امر یکی از اهداف بسیار مهم جبهه را تشکیل می دهد. رژیم قابوس درهای کشور را به روی شرکت های چند ملیتی گشود. این شرکتها آزادانه تمام منابع ملی و ثروت های زیرزمینی ما را به غارت می برند. معادن نفت و مس، ما بخور کامل در اختیار این شرکتها است. امتیازات متعددی نیز برای کشف دیگر منابع در اختیار این شرکتها قرار گرفته است.

این وضع ناهنجاری های جدی در اقتصاد کشور ما پدید آورده است. اقتصاد طبیعی ما بکلی نابود شده، زراعت، ماهیگیری و دامپروری گسترده ملت ما روبه زوال است. تعداد کثیری از روستائیان به شهرها مهاجرت کرده اند، تعدادی از آنها جذب کارگاهها و کارخانجات کوچک و تاسیسات نفتی شده اند. این پدیده در عین حال باعث گسترش طبقه کارگر حیثیت مان شده است. رژیم قابوس از این امر در هراس است. او سعی می کند مانع تشکیل کارگران بعنوان یک طبقه گردد. به همین دلیل از یک سو مقدمات کار دهها هزار از کارگران عمانی را در دیگر کشورهای خلیج فراهم می آورد و از سوی دیگر دهها هزار کارگر خارجی را در عمان استخدام می کند. او همچنین با وارد کردن این نیروی کار ارزان که عمدتا از هند، پاکستان و کره جنوبی هستند، دستمزد کارگر عمانی را نیز در سطح نازلی نگه می دارد. این سیاست وضع ناهنجاری را در کشور ما بوجود آورده است. به طوری که مادر مقابل یک صد و پنجاه و سه هزار کارگر عمانی، سیصد و شصت هزار کارگر بیگانه در کشورمان داریم و این در حالی است که بیش از صد هزار نفر از کارگران عمانی در امارات متحده عربی مشغول بکارند.

سنت حرکت اقتصادی رژیم را از برنامه خود او که بنام برنامه پیش رفت مشهور است می توان ملاحظه نمود. طبق این برنامه ۴۵ درصد کل بودجه کشور به امور نظامی اختصاص داده می شود. نزدیک همین میزان تحت نام هزینه های متحرک صرف امور دربار، حفظ و گسترش کاخها، خرید کشتی های تفریحی و مخارج مسافرت قابوس و اطرافیانش می شود. باقی مانده ناچیز بودجه صرف امور عمرانی، بهداشتی و توسعه کشور می گردد. البته دزدی ها و سواستفاده های کلان وزرا نیز بایستی به این مجموعه اضافه نمود. برای بسیاری از مردم جهان مضحک است وقتی می شنوند در کشور ما هیچ گونه قانونی وجود ندارد. و اساسا قوه مقننه موجود نیست. همه مسائل با نام قوانین شرعی و در حقیقت مطابق منافع مسئولین و سردمداران کشور حل و فصل می شود. در عمان هیچگونه تشکل و سازمان سیاسی، صنفی، و اجتماعی و انسانی مشروع نیست و هرگونه تشکلی از این دست ممنوع می باشد.

جبهه امروز تمام نیروی خود را در خدمت افزایش آگاهی سیاسی و اجتماعی مردم عمان، افشای جنایات امپریالیسم و رژیم قابوس در مبین ما، تلاش جهت ارتقا تشکیلات جبهه تا حد یک حزب طراز نوین طبقه کارگر و تلاش جهت تشکیل یک جبهه گسترده ملی قرار داده است. ما سعی می کنیم شخصیت ما و محافل مترقی در عمان را که امروز فعالیت قابل ملاحظه ای از خود نشان نمی دهند، به فعالیت جدی تر و همکاری نزدیک با جبهه فرا خوانیم. ما باید در بین خلق عمان و نیروهای طرفدار جبهه کار سیاسی توضیحی گسترده ای پیش ببریم.

س: نظر شما در مورد جنگ ایران و عراق چیست؟ تاثیرات ادامه این جنگ و ادر اوضاع منطقه چگونه ارزیابی می کنید؟

ج: ما جنگ ایران و عراق را از همان ابتدا جنگی بی معنا دانسته و محکوم نموده ایم. ما طی دورانی که دولت مرتجع عراق مبتکر جنگ بود و به خاک ایران تجاوز کرده بود، مرتجعین بغداد را محکوم نموده و ادامه جنگ را به ضرر هر دو سمت ارزیابی کردیم و طرفین را به صلح عادلانه و دموکراتیک از طریق مذاکره دعوت نمودیم. امروز نیز که حکام جمهوری اسلامی در ادامه جنگ به داخل خاک عراق لشکرکشی کرده اند، این اقدام را محکوم می کنیم و خواهان اعلام آتش بس و آغاز مذاکرات رسمی هستیم. ادامه این جنگ نه تنها به ضرر دو ملت ایران و عراق بلکه برای تمام ملل منطقه یک فاجعه محسوب می شود. این جنگ جز تقویت مواضع امپریالیسم آمریکا در منطقه خلیج دستاورد دیگری نخواهد داشت.

در پایان این مصاحبه مایلیم از توجه عمیقی که به مسائل میهنی ما مبذول میدارید، و از فرصتی که برای توضیح مسائل انقلاب عمان در اختیار من قرار دادید صمیمانه تشکر کنم. روابط جبهه خلق برای آزادی عمان با سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) روابطی تاریخی و گسست ناپذیر است. ما در یک سنگر بر علیه رژیم شاه و رژیم قابوس جنگیده ایم.

گسترش بیش از پیش مناسبات دوستانه و همکاری های فکری و علمی بین ما و شما آرزوی قلبی ماست. متشکرم.

گزارشی از هرات

بقیه از صفحه ۹

استاندار اذعان می کند: "در گذشته ما هنگام اجرای اصلاحات ارضی عجله می کردیم و از این رو مرتکب خطاهای زیادی می شدیم. اکنون می گوئیم این کار را با تامل انجام دهیم. تصمیم گیری روی یک قطعه زمین توسط کمیسیونها پس از بررسی دقیق اوضاع محل و مشورت با ریش سفیدان ده انجام می گیرد. تصمیم وقتی اتخاذ می شود که اطمینان حاصل گردد فرد مربوطه واقعا استحقاق دریافت زمین و توانایی استفاده از آن را دارد.

گلداد، سرپرست هیات، اظهار می دارد: "به ویژه مهم این است که اصلاحات ارضی بجای جدا کردن دهقانان از هم، آنها را به هم نزدیک و روحیه جمعی را در ده تقویت کند. مردم باید بیاموزند که از زمین خود دفاع کنند، در روستاهایی که زمین تقسیم شده، باید با سرعت بیشتری گروه های دفاع از خود تشکیل داد. باید تعاونی های دهقانی را تقویت کرد."

وضع آب در استان مشکل است. تنها ۱۹ هزار هکتار زیر پوشش آبرسانی است. سی هزار هکتار زمین زیر این پوشش قرار ندارد. منطقه، گرمسیری و خشک است، و به باران اطمینانی نیست. از این رو باید تاسیسات آبیاری بزرگ و مجهز ساخت که بتواند زمینها را در سطح وسیع زیر پوشش قرار دهد. برنامه های دولتی انجام می دهد پروژه آبیاری را پیش بینی کرده است. بیست و هفت پروژه به سیستم های بزرگ آبرسانی در دست ساختمان یا تجهیز آنها اختصاص دارد و پنج پروژه به سیستم های جدید مربوط می شود.

از جمله این پروژه ها، مجتمع بزرگ آبیاری سلمه در استان هرات است که ساختمان آن شروع شده است. طبق برنامه، این سیستم ۴۰ هزار هکتار بر ۲۴ هزار هکتار زمینی که هم اکنون زیر پوشش آبیاری قرار دارد، خواهد افزود. تاسیسات مزبور، سیستم مجهزی است که چند میلیارد افغانی خرج بر می دارد. با شروع کار آن، نه تنها استان هرات، بلکه مناطق همجوار نیز از کانالها و برکه های آن تغذیه خواهند کرد.

دهقانان با اشتیاق در انتظار چنین روزی هستند. ضد انقلابیون در صددند به مجتمع سلمه حمله کنند. تقریبا یک سال پیش یک باند بزرگ به یک پروژه تقریبا تکمیل شده حمله کرده، تاسیسات زیادی را تخریب نمود، ماشین آلات را به آتش کشید، شهرک مسکونی کارگران را منفجر کرد، سه عضو حزب را به قتل رساند و بسیاری دیگر را ربود. کار متوقف شد.

در جلسه از این مجتمع هم صحبت به میان می آید. دولت مقامات محلی در این امر که ساختمان مجتمع باید به پایان رسانده شود، متفق القولند.

یکی از اعضای هیات به مقامات محلی میگوید: "ما باید حفاظت را بهبود بخشید."

پس از جلسه، همگی به اتفاق هم به انبار ماشین آلات آبیاری هرات می رویم و از بلدورها و سایر ماشین ها و جرثقیل دیدن می کنیم. ماشین ها کاملا خوب کار می کنند و منتظر شروع کار هستند. گلداد پس از بازگشت به کابل، موضوع ساختمان مجتمع سلمه را مطرح می کند تا زمین هرات محصول غنی تری ببار آورد.

در آستانه اول ماه مه

نگاهی به عملکرد سندیکاهای شوروی

اجتماعی است. سندیکاهای کار واحدها، ساختمان واحدهای مسکونی و توزیع مسکن را کنترل می کنند و به مسائل تامین فرهنگ و بهداشتی زحمتکش می پردازند.

سندیکاهای پیشترو استهوانظرات کارگرانند، بر رعایت قوانین نظارت کرده و با شتاب زدگی افراطی و بوروکراتیسم مقابله می نمایند.

حق وتو

نظر سندیکاهای کارخانه در انتصاب مدیران هر واحد مد نظر قرار می گیرد. بدون موافقت سندیکاهای مدیریت حق ندارد هیچ کارگر یا کارمندی را اخراج یا منتقل کند. سندیکاهای در اینگونه موارد حق وتو دارند. هر گاه کارگری توسط مدیریت اخراج شود، تصمیم سندیکاهای بدون حکم دادگاه کافی است که او دوباره به سرکار بازگردد.

رعایت مقررات ایمنی تنظیم شده از سوی بخش نظارت فنی سندیکاهای از جانب مدیریت اجباری است. نه وزارتخانه و نه دادستانی هیچ کدام نمی توانند این مقررات را لغو کنند. بخش نظارت فنی سندیکاهای می تواند در شرایطی که سلامتی پرسنل در خطر باشد، رای به تعطیل کارخانه بدهد. مثلا چندی پیش به رای سندیکاهای، یک کارخانه تولید کننده چراغهای نئون در مسکو تعطیل شد، زیرا به تشخیص ناظرین سندیکاهای، مواد سمی از تاسیسات آن نشت می کرد. با برطرف کردن نواقص، از سرگیری کار کارخانه امکان پذیر گردید. اما با وجود این به خواست شورای سندیکاهای، کارخانه به خارج از شهر

سندیکاهای شوروی گسترده ترین سازمانهای توده ای این کشورند. آنها حدود ۹۹ درصد کارگران و کارمندان و اکثریت بزرگی از دهقانان کالخوزها را در برمی گیرند و مطابق رشته های تولیدی تقسیم بندی شده اند. همه کارکنان هر واحد صرف نظر از حرفه خود عضو یک سندیکاهای هستند. در مجموع در کشور ۲۲ سندیکاهای وجود دارد.

بیانگر خواست ها و نظرات کارگران

سندیکاهای آزاد و مستقل از دولتند. آنها دارای حق ارائه لایحه هستند، در انتخابات ارگانهای دولتی کاندیدا معرفی می کنند و در برنامه ریزی اقتصاد شرکت دارند. بدون موافقت سندیکاهای، تغییر قیمت ها، شرایط کار، دستمزدها و حقوق بازنشستگی قابل تغییر نیست.

هیچ ارگان دولتی اجازه کنترل دخل و خرج سندیکاهای را ندارد. سندیکاهای از دولت کمک مالی دریافت می دارند.

سندیکاهای بدون توسل به اعتصاب از منافع زحمتکش دفاع میکنند. البته در اتحاد شوروی اعتصاب ممنوع نیست. اما از آنجا که همه مسائل به شیوه ای دموکراتیک حل می شود، اعتصابی انجام نمی گیرد. مثلا دستمزدها مرتبا افزایش می یابند. علاوه بر این همه اقدامات مدیریت، از تغییر شرایط کار گرفته تا تغییر میزان تولید باید با موافقت سندیکاهای کارخانه باشد.

همه ساله سندیکاهای با مدیریت قراردادهای جمعی می بندند که شامل تعهدات متقابل، مثلا در مسائل



منتقل شد.

یک مقال دیترو: در یک کارخانه آلیاژهای آهن، بعلت نقصی در بخش کوره ذوب، محبدا نظراف آلوده شده بود. کارگران نامه ای به روزنامه "ترو" ارگان اتحادیه سندیکایی نوشتند. بازتاب مقاله روزنامه و فعالیت سندیکاهای باعث شد مدیر کارخانه برکنار و به ۵ سال زندان محکوم گردد.

شماره های سازمان های اجتماعی شوروی (به هزار نفر)

۱۲۱۲۰۰	سندیکاهای
۴۲۰۰۰	سازمان جوانان
۱۰۹۰۰۰	صلیب سرخ و هلال احمر
۱۰۴۰۰	جمعیت های علمی و فنی

بررسی شده است. در پایان این اعلامیه گفته شده: "طبقه کارگر بر افتخار ایران، رزمنده پیشتاز در راه صلح، استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی، در خلال مبارزات چند سال اخیر خود به خوبی به مامیت ضدکارگری جمهوری اسلامی پی برده است. طبقه کارگر هر روز بیشتر از پیش به این نتیجه می رسد که فقط با اتحاد و تشکل است که می تواند به حقوق حقه صنفی و سیاسی خود دست یابد."

در بخشی از اعلامیه دیگری که عنوان آن "کارگر نوازیها"ی اخیر حکومت، عوامفریبی و چلوه دیگری از سیاست کارگرتیزی است، چنین می خوانیم:

بدانید و آگاه باشید که تمام این خیمه شب بازیها و عوامفریبیها و تبلیغات پیر سروسدای حکام مرتجع درباره کارگرتوستی شان، تنها و تنها نشانه ضعف رژیم در مقابله با مبارزات شاست. رژیم علاوه بر زبان زور حالا زبان عوامفریبی و "کارگرتوازی" را هم بکار گرفته است. اما این ترفند هم کار ساز نخواهد بود.

به پیش تازید! و ذره ای تردید در پی گیری مبارزات بحق خود، راه ندهید!

پیروزی شما در اتحاد شاست. اگر متحد شوید، مطمئن باشید که پیروزی را به کف خواهید آورد."

جنگ طلبی های دیو صفتانه او بلند کن!

زنده باد صلح و آزادی!

نابود باد جنگ و استبداد!

* "در کارخانه زامیاد این شعارها نوشته شد:

جنگ را فراق کنید، مردم صلح می خواهند.

پیش به سوی تشکیل سندیکاهای شوروی واقعی

مرگ بر ارتجاع!

انجمن اسلامی چهارچشمی مواظب است تا شعار نویسیها را پیدا کند

در کارخانه پروفیل نیمه سبک در جاده مخصوص کرج نیز به طور مرتب شعارهای سازمان در رابطه با صلح و عدالت اجتماعی نوشته می شود. مسئولین کارخانه هر هفته دستور می دهند شعارها را پاک کنند ولی فوراً شعارهای تازه ای بر دیوار نقش می بندند."

* در اسفندماه سال گذشته در افشای عوامفریبی جدید حکومت مبنی بر فروش سهام کارخانجات به کارگران، اعلامیه های متعددی از سوی هواداران سازمان خاصه کارگران مواد را انتشار یافت و در سطح وسیعی پخش شد. از جمله گروهی از کارگران هوادار سازمان در تاریخ ۱۲ اسفند اعلامیه ای منتشر ساخته اند که در آن سابقه این امر در انقلاب سفید شاهنشاهی

تابنده باد مشعل رزم فدائیان!

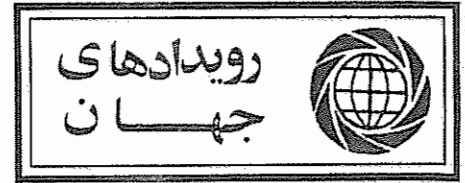
بقیه از صفحه ۷

مردم زحمتکش ایران!

این تنها بمبها، راکتها و موشکهای رژیم ضد

مردمی عراق نیست که هم میهنان شما را در شهرهای میهن به خاک و خون می کشند. ارتجاع حاکم بر ایران نیز در این کشتار و ویرانی، به همان اندازه سهم است. آنها که در مقابل هر بمب و راکت و موشک عراقی از شوق مقابله به مثل کف بر لب می آورند، به دروغ ادعا می کنند که حافظ جان مال و ناموس مردمند. ارتجاع حاکم فقط و فقط در فکر افکار و امیال جنگ طلبانه نبود است. انبوه اجساد جوانان میهن که در طی عملیات بدر کشته شده اند و با تلافیهای شرق دجله رانگین کرده اند، بزرگترین دلیل خوی جنگ طلبانه حکام جمهوری اسلامی است. این رژیم در وجود و ادامه جنگ، بقای خود را می بیند. حکومت می خواهد در پی پرده دامن زدن به آتش جنگ، خود را از زیر ضرب اعتراضات فزاینده مردم علیه استبداد و اختناق حاکم بر میهن، علیه بی عدالتی و غارت لجام گسیخته سرمایه داران خارج سازد. هموطنان!

بانگ اعتراض خود را علیه تشدید و ادامه جنگی تانسانسوز، علیه عوامفریبی های ارتجاع حاکم و علیه



اتحاد شوروی پشتیبان نیکار اگوئه است

خبرگزاری شوروی تاس طی تفسیری در باره اوضاع آمریکای مرکزی اعلام کرد اتحاد شوروی بطور تمام و کمال از مشی نیکار اگوئه در این منطقه پشتیبانی می کند. تاس افزود تنها راه حل مسائل موجود در این منطقه مذاکره دولتهای ذیربط است. در این تفسیر همچنین آمده است این موضع نیکار اگوئه، مورد پشتیبانی همه آنهاست که به آرمانهای دمکراسی و صلح پایبندند و در راه تحقق اصول منشور ملل متحد می رزمند.

تفسیر تاس می افزاید: "اتحاد شوروی در آینده نیز سهم خود را در تلاش به منظور یافتن یک راه حل سیاسی عادلانه در این منطقه ایفا خواهد کرد. اتحاد شوروی سیاست تجاوز و مداخله در امور داخلی نیکار اگوئه و اجرای سیاست تروریسم دولتی در قبال این کشور را قاطعانه رد می کند، باید به این فعالیتهای که می تواند بر روند اوضاع بین المللی تأثیرات جدی بر جای نهد، پایان داد."

در تفسیر خبرگزاری شوروی، بعنوان علت تشدید وخامت اوضاع در آمریکای مرکزی از گسترش فعالیتهای خطرناک دولت ایالات متحده علیه نیکار اگوئه نام برده شده است، فعالیتهایی که در سراسر جهان با خشم فراوان مواجه میگردد. در خود آمریکان نیز تگرانی فزاینده به چشم می خورد.

از سوی دیگر ریگان که با توجه به موضعگیریهای قبلی پاپ امیدوار به جلب پشتیبانی واتیکان از طرح خود مبنی بر دادن اولتیماتوم شصت روزه به دولت نیکار اگوئه برای مذاکره با ضد انقلابیون بود، سعی کرد کلیسای کاتولیک را در مقابل عمل انجام شده قرار دهد. به همین منظور بدون کسب موافقت قبلی واتیکان، حمایت پاپ را از سیاستهای اعلام داشت. ظاهراً آش آفای ریگان حتی برای پاپ هم بیش از حد شور بوده است! نمایندگی واتیکان در واشنگتن اظهارات اورا تکذیب کرد. یک روزنامه نزدیک به مقامات واتیکان نوشت ریگان نشان داد واقعا در گذشته هنرپیشه بوده است!

سخنان اخیر رهبران چین در باره مناسبات با اتحاد شوروی

هو یاو باینگ، دبیر کل کمیته مرکزی حزب کمونیست چین طی یک کنفرانس مطبوعاتی در پکن خواستار بهبود روابط با اتحاد شوروی گردید. وی گفت چین خواهان روابط دوستانه با سایر کشورها بر مبنای اصول همزیستی مسالمت آمیز است. رهبر حزب کمونیست چین افزود: "چرا نباید با یک کشور سوسیالیستی که طولانی ترین مرز مشترک را با ما دارد، روابط دوستی و حسن همجواری داشته باشیم؟"

لی پنگ، معاون نخست وزیر چین هفته گذشته با هیئتی از جمعیت شوروی دوستی و روابط فرهنگی با خارج وانجمن دوستی شوروی و چین ملاقات نمود. وی در این دیدار گفت میان مردم چین و شوروی، دوستی سنتی وجود دارد، و رهبران دو کشور ببهود مناسبات را خواستارند لی پنگ افزود گسترش تماسهای دوستانه بین دولت تاثیر مثبتی برونند این مناسبات خواهد گذاشت.

روز دوشنبه ۲۶ فروردین (۱۵ آوریل) در پکن میان هیات نمایندگی جمعیت شوروی دوستی و روابط فرهنگی با خارج وانجمن دوستی شوروی و چین از یک سو، وانجمن دوستی باخارج مردم چین وانجمن دوستی چین و شوروی از سوی دیگر موافقت نامه ای در باره همکاری در طرف در سال جاری به امضا رسید.

تدارک انتخابات در افغانستان

شورای انقلاب افغانستان طی یک نشست فوق العاده تصمیم گرفت در این کشور ظرف سال جاری انتخابات مجلس شورای ملی انجام گیرد. در انتخابات مجلس افغانستان، اعضای حزب دمکراتیک خلق افغانستان، نمایندگی جبهه ملی پدر وطن و سایر سازمانها، دهقانان، روشنفکران، ریش سفیدان و روحانیون و نیز اعضای شورای وزیران و شورای انقلاب داوطلب احراز کرسی نمایندگی خواهند شد. تاریخ دقیق برگزاری انتخابات در آینده تعیین خواهد گردید.

سند مشترک اپوزیسیون شیلی

رهبران نیروهای مختلف اپوزیسیون شیلی سند مشترکی درباره احیای دمکراسی در این کشور به امضا رساندند. در این سند که "عهدنامه برای زندگی، حقوق بشر و دمکراسی" نام دارد، آمده است اینک در شیلی ایجاد یک جامعه آزاد و دمکراتیک اجتناب ناپذیر است. امضا کنندگان تعهد کرده اند در راه رسیدن به این هدف، جهت گیریها و مواضع ایدئولوژیک گوناگون خود را در درجه دوم اهمیت قرار دهند. سند مزبور، از جمله توسط "رهبری ملی زحمتکشان" (اتحادیه سندیکایی شیلی)، جنبش دمکراتیک مردمی (که حزب کمونیست شیلی در آن عضویت دارد)، و "اتحاد دمکراتیک" بر مبرر، دمکرات مسیحیها امضا شده است.

تظاهرات دهها هزار نفره در آفریقای جنوبی

شنبه گذشته در آفریقای جنوبی لاقول سه نفر دیگر از انالی سیامپوست بدست پلیس رژیم آپارتاید به قتل رسیدند. این جنایت در دوشهرک سیامپوست نشین روی داد.

همچنین هفته گذشته در مراسم تشییع جنازه ۲۹ تن از مردم سیامپوست که در روزهای اخیر به دست پلیس نژادپرست به قتل رسیده اند، دهها هزار نفر شرکت جستند. اسقف دژموند توتو، برنده جایزه نوبل در این مراسم سیاست نژاد پرستانه رژیم آفریقای جنوبی را محکوم کرد.

یک شاعر عینی رویدادهای (۲ مارس در آفریقای جنوبی، اظهار داشت پلیس در این روز حتی

بروی زخمیها تیراندازی کرد. وی که زخمی شده و وانمود کرده بود مرده است، شنیده بود که یک هامور پاییس به دیتیری می گفت باید زخمیها را کشت. تانثوانند علیه پلیس شهادت بدهند.

سودان: مذاکرات برای تشکیل دولت موقت

شورای موقت نظامی در سودان در هفته گذشته طی نشستی با نمایندگان "اتحاد نیروهای میهن پرست" باتشکیل یک دولت موقت غیرنظامی موافقت کرد. خبرگزاری سودان که این خبر را گزارش کرده است، می افزاید یک سخنگوی جبهه مزبور، که در آن علاوه بر هفت حزب، منجمله حزب کمونیست سودان، سندیکاهای کشور نیز عضویت دارند، اظهار داشت دولت موقت یک سال امور را در دست خواهد داشت.

سخنگوی جبهه نامبرده همچنین گفت این اتحاد پیشنهاد کرده است در دوران گذار، قوای مقننه و مجریه به شورایی مرکب از پنج عضو هیات دولت منتقل شود. بیش از آن نیز شورای نظامی پذیرفته بود پس از طی یک دوران گذار، یک نظام چند حزبی پارلمانی برقرار گردد.

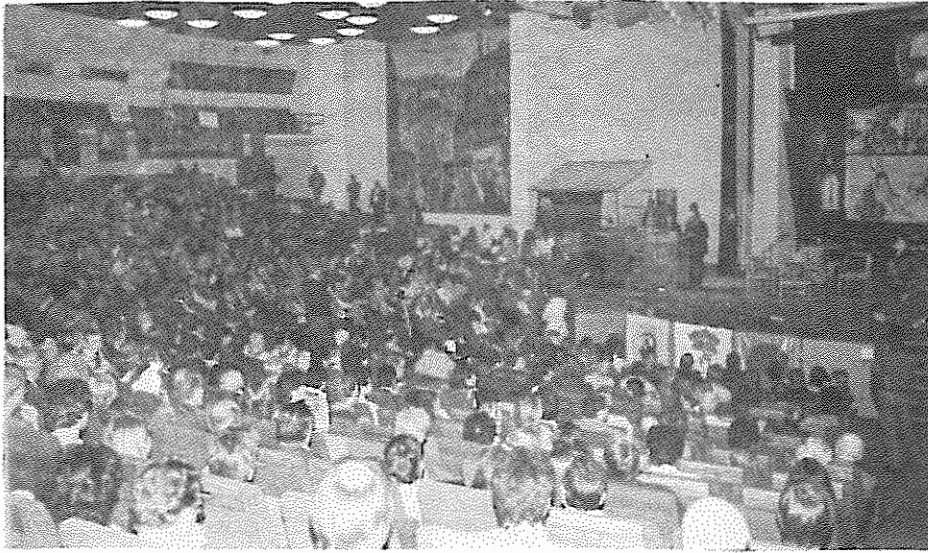
ژنرال عبدالرحمان سوارالذمب، رئیس شورای نظامی سودان، در مصاحبه ای با روزنامه مصری "اخبارالایم" گفت سودان مایل است روابط خود را با همه کشورها، از جمله اتحاد شوروی، بر پایه احترام متقابل و منافع مشترک گسترش دهد. وی همچنین به روابط دوستانه دولت سودان با آمریکا اشاره کرد ابراز داشت که دولتش از آمریکا انتظار ادامه کمک اقتصادی را دارد. ذهب روابط نزدیک سودان با مصر را نیز مورد تاکید قرار داد.

استعفای دولت لبنان

روز چهارشنبه ۲۸ فروردین به گزارش رادیو بیروت دولت لبنان استعفا نمود. دولت وحدت ملی به ریاست رشید کرامی نخست وزیر از همه گروههای سیاسی مهم کشور تشکیل میشد. این استعفاد رابطه با درگیریهای مسلحانه میان گروههای مختلف شیعه نظامی در مناطق غربی بیروت در عصر روز سه شنبه روی داد. به گزارش خبرگزاریها، در جریان این درگیریهای خیابانی، که در آن از نارنجک انداز و موشک نیز استفاده شد تا صبح روز چهارشنبه حدود هفتاد نفر به قتل رسیدند. تلاش رهبران احزاب و گروههای سیاسی برای برقراری آتش بس نافرجام ماند.

از سوی دیگر باندهای مورد حمایت نیروهای اشغالگر اسرائیلی هفته گذشته در بخش اشغالی دره بقاع به یک روستا حمله کردند و به گزارش روزنامه النداء چاپ بیروت لاقول ده نفر را به قتل رساندند. از آنجا که مزدوران اسرائیلی بلافاصله پس از این جنایت با محاصره روستای مزبور، ارتباط آن را با جهان خارج قطع کردند، جزئیات این واقعه هنوز فاش نشده است. حزب کمونیست لبنان در بیانیه ای خاطرنشان ساخت که این قتل عام جدید جزئی از طرح اسرائیل برای ایجاد "منطقه امنیتی" است که می خواهند در آن آرامش گورستان را حکمفرما کنند. در اسرائیل اعلام شد از هنگام تجاوز صهیونیستها به لبنان در سال ۱۳۶۱ تا کنون ۱۴۰ نفر مشمول از انجام خدمت سربازی در لبنان سرباز زده و به همین جرم محاکمه و زندانی شده اند.

جشن همبستگی با انقلاب افغانستان در سوئد



دکتر آناهیتا راتب زاد در حین سخنرانی در جشن همبستگی با انقلاب افغانستان در استکهلم - سوئد

در روز ۲۱ مارس در "خانه مردم" شهر استکهلم، جشن همبستگی با انقلاب افغانستان باشکوه فراوان برگزار گردید. این جشن با حضور دکتر آناهیتا راتب زاد، عضو هیئت سیاسی کمیته مرکزی حزب دمکراتیک خلق افغانستان و دبیر سازمان دمکراتیک زنان افغانستان اعتبار و اهمیت ویژه ای یافته بود. جشن مزبور به ابتکار حزب کمونیست کارگری سوئد و شرکت فعال فدائیان خلق ایران (اکثريت) و سازمان حزب توده ایران در سوئد ترتیب یافت و به عرصه تجلی همبستگی پرشورو عمیق با انقلاب افغانستان و افشای توطئه های امپریالیسم جهانی علیه مردم افغانستان تبدیل گردید. جشن های دیگری در شهرهای گوتنبرگ، ماملو و سوندسوال برگزار شد.

به هنگام ورود رفیق آناهیتا راتب زاد به سالن جشن که با شعارهای متعددی با مضمون دفاع از انقلاب افغانستان، منجمله شعار "زنده باد دوستی خلق های ایران و افغانستان" تزیین شده بود - جمعیت انبوهی که موفق به راهیابی به سالن شده بودند با پرشورترین احساسات، مقدم این سفیر انقلاب افغانستان و این شخصیت زن برجسته جنبش انقلابی جهانی را گرامی داشتند.

رفیق راتب زاد در سخنرانی خویش با وضوح و احوال کنونی در افغانستان و روند جاری در این کشور را تشریح نمود وی در پاسخ تبلیغات امپریالیستی مبنی بر "اشغال" افغانستان توسط نیروهای اتحاد شوروی اظهار داشت: در سال ۱۹۷۸ در اثر توطئه های حفیظ الله امین و دیگر عوامل خارجی، انقلاب ثور با خطر جدی مواجه شد. در چنین شرایطی و برای نجات انقلاب، دولت قانونی افغانستان دست کمک به سوی اتحاد شوروی دراز کرد. این درخواست کمک، درخواستی است که معمولاً دوستی در شرایط سخت و دشوار از دوست خویش می کند.

دکتر آناهیتا در سخنان خویش به برشماری گوشه هایی از جنایات باند های تروریست و جنایتکار مورد حمایت آمریکا و ایادیش در منطقه پرداخت و اظهار داشت: "بمب گذاری و مین گذاری در مساجد،

در تاریخ افغانستان زنان دارای حقوق برابر با مردان شدند. وجود من در این جا خود گواه بارز تحقق این امر است. حق کار کردن تامین شده است. مبارزه علیه بی سوادگی در حال پیشروی است. بیش از ۱/۵ میلیون نفر که قبلاً بی سواد بودند، اکنون دارای سواد خواندن و نوشتن هستند.

بعد از پایان سخنان دکتر راتب زاد، تعدادی از پیشاهنگان، به نمایندگی از سوی حزب کمونیست کارگری سوئد و دبیر احزاب برادر و از جمله فدائیان خلق ایران (اکثريت) و حزب توده ایران در سوئد، دسته گل هایی به رفیق آناهیتا هدیه کردند. به هنگام اهدا گل ابراز احساسات حضار به حدی رسید که فریادهای رسای آنان در همبستگی با انقلاب افغانستان، سالن "خانه مردم" را به لرزه در آورده بود. جشن با اجرای سرود انترناسیونال توسط گروه اکتبر از جمهوری دمکراتیک آلمان و همراهی حضار، پایان پذیرفت.

مدارس و اماکن عمومی، تنها ارمغان باند های ضد انقلاب برای مردم افغانستان است. انسان های بی گناه و بدون اسلحه در دمات هدف اعمال تروریستی ضد انقلابیون قرار می گیرند. زنان بیوه می شوند و کودکان بدون والدین. ضد انقلابیون تاکنون ۱۸۱۴ مورد عملیات تخریبی و آتش سوزی به راه انداخته اند. به بنای ۱۲ بیمارستان آسیب وارد کرده و راهها و نیروگاه های مولد برق را تخریب کرده اند... اما با این وجود من به شاقول می دمم که مردم افغانستان با قاطعیت از حق خود برای ساختن یک زندگی سعادت بار و از انقلاب و دستاوردهای آن دفاع خواهند کرد. انقلاب افغانستان بدون بازگشت است و بدون وقفه تا پیروزی قطعی به راه خود ادامه می دهد.

دکتر راتب زاد، در ادامه سخنان خود به گوشه هایی از اقدامات انجام یافته به نفع مردم افغانستان اشاره ای نمود وی گفت: برای اولین بار

هزینه چاپ این شماره "اکثريت" را

رفیق خالد و رفقای دملي

تأمین کردند

AKSARIYAT
NO.53
MONDAY APR.22,85
Address: آدرس:
RUZBEH
POSTFACH 1810
5100 AACHEN
W. GERMANY

اول ماه مه گرمی باد!

کارگران و زحمتکشان ایران!
روزم خمینی سال گذشته تلاش کرد پیش نویسی قانون ضد کارگری و ارتجاعی سرحدی زاده را به شما تحمیل کند. شما در برابر رژیم ایستا دیدتان پیش نویسی را رد کردید. رژیم با زهم می کوشد همان پیش نویسی را تصویب بگذارد.
در آستانه سال نو، رژیم خمینی با تصویب قانون ارتجاعی "شوراهای اسلامی کار" خیانت دیگری علیه شما مرتکب شد. هدف این قانون برآکنده تنگ داشتن و بیایمال کردن حقوق شماست.
در آستانه سال نو، رژیم خمینی قانون فئوک ارتجاعی "حدود و قلمت بختی صومئ" را تصویب کرد. این قانون علیه شماست.
متحد شوید و متشکل گردید، برای انفاء قوانین ارتجاعی علیه رژیم مبارزه کنید!
سازمان فدایان خلق ایران (اکثريت)

با جمع آوری کمک مالی

فدائیان خلق را در انجام

وظایف انقلابی

یاری دهید!

مرگ بر امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا!